



# فارسی ۱

**آموزش و تست**  
پُر از تست‌های دوست‌داشتنی

♦ شهریار قبادی ♦ اسماعیل محمدزاده  
مدیر و ناظر علمی گروه فارسی: شهریار قبادی



مهر و ماه

# مقدمه



«نبینی باغبان چون گل بکارد  
چه مایه غم خورد تا گل برآرد»

بعد از سال‌ها یکه‌تازی کتاب‌های ادبیات فارسی دوره متوسطه قدیم، از سال ۱۳۹۵ با انتشار فارسی (۱) برای سال دهم و در سال ۱۳۹۶ با انتشار فارسی (۲) برای سال یازدهم، فصل تازه‌ای در کتاب‌های درسی ادبیات شروع شده است که با همه نقدهایی که بر این دو کتاب وارد است این نو شدن را به فال نیک می‌گیریم و به همه دوستان عزیزمان در دفتر تألیف کتاب‌های درسی خدا قوت می‌گوییم و تلاش این عزیزان را ارج می‌نهیم.

و اما داستان تألیف کتاب فارسی (۱) مهرماه:  
شروع: سه‌شنبه ۱۵ فروردین ۱۳۹۶، اتاق گروه ادبیات مهرماه  
تألیف‌گران: شهریار قبادی - اسماعیل محمدزاده

...

**قبادی:** استاد محمدزاده! موافقید در ابتدا به طرح ساختار اصلی این کتاب بپردازیم؟  
**محمدزاده:** بله کاملاً موافقم.

**قبادی:** درس‌نامه مناسب، تست و پاسخ‌نامه، سه بخش اصلی این کتاب هستند که اگر اجازه بدین این سه بخش رو به بحث بذاریم تا همه زوایای تاریخ و روشن اون‌ها مشخص بشه؟ در ابتدا شما بفرمایید که نظرتون درباره درس‌نامه چیه؟  
**محمدزاده:** گرچه بنده برای کتاب تست خیلی موافق درس‌نامه نیستم اما با توجه به شرایط جدید کتاب‌های درسی، با یک درس‌نامه محکم و تستی مخالفتی ندارم.

**قبادی:** به نکته مهمی اشاره کردین! «درس‌نامه محکم و تستی»، این یعنی قرار نیست درس‌نامه‌ها شبیه به یک کتاب آموزش باشن اما باید بتونند نیازهای دانش‌آموزان رو هم در پاسخ‌دهی به تست‌ها تا حدود زیادی برطرف کنن.  
**محمدزاده:** اگر مفاهیم، آرایه‌های مهم، واژه‌های ستاره‌دار و نکات خاص دستوری رو بیاریم، یک درس‌نامه قوی و مناسب رو برای کتاب تدارک دیدیم.

**قبادی:** اگر همه واژه‌های درس و ترکیب‌های املائی رو بیاریم، این قوی بودن به حد بالای خودش می‌رسه.  
حُب حالا بریم سراغ تست‌ها که می‌دونم شما هم مثل من با طبقه‌بندی اون‌ها در سه قلمرو موافقید، هم‌چنین چیدمان تست‌ها از ساده به سخت.

**محمدزاده:** خود قلمرو زبانی هم سه لایه است، واژه، املا و دستور که طبقه‌بندی تست‌ها بر این اساس، باز هم به تحکیم ساختار کتاب کمک می‌کنه. استاد قبادی! من و شما در مورد طرح تست‌ها، یک قرار مهم گذاشتیم یادتونه؟

**قبادی:** این‌که سعی کنیم بیشتر از بیت‌های نو و دست‌نخورده استفاده کنیم؟

**محمدزاده:** بله این‌کار باعث می‌شه همکاران عزیز، نو شدن رو در کتاب فارسی مهرماه هم حس کنن.

**قبادی:** من خیلی به پاسخ‌نامه تشریحی - تحلیلی اعتقاد دارم. گرچه ممکنه در فارسی (۱) تا حدودی تحلیل پاسخ‌ها دشوار باشه، چون دانش‌آموزان هنوز در ابتدای راه دوره دوم متوسطه هستند.

**محمدزاده:** باید حواسمون به این نکته باشه و یه وقت فکر نکنیم داریم برای دانش‌آموزای کنکوری کتاب می‌نویسیم. بهترین کار اینه که از فارسی دهم تا فارسی دوازدهم به تدریج مطالب رو گسترش بدیم.

**قبادی:** مثلاً فارسی دهم ۸۰ درصد کنکوری باشه، یازدهم ۹۰ درصد و دوازدهم ۱۰۰ درصد.

**محمدزاده:** دقیقاً! البته ما نکات تستی و کنکوری را هم در پاسخ‌نامه می‌آریم اما در محدوده همون سال.

**قبادی:** برای طرح مطالب آموزشی که در کارگاه‌ها اومده یک پیشنهاد ویژه دارم:

همه این مطالب را در ابتدای فصل بیاریم با عنوان «درس فصل».

**محمدزاده:** خیلی هم عالی. این‌جوری هم از پراکندگی این مطالب جلوگیری کردیم و هم به دانش‌آموز تمرکز بیشتری برای یادگیری داریم....

پایان: دوشنبه ۱۵ آبان ۱۳۹۶

بالاخره بعد از گذشت چند ماه تلاش شبانه‌روزی، به لطف همراهانی از جنس مهر و دوستی، میوه کتاب تست فارسی دهم به بار نشست:

■ آقای احمد اختیاری، مدیر محترم انتشارات مهروماه

■ آقای محمدحسین انوشه، مدیر محترم شورای تألیف

■ سرکار خانم سمیه حیدری مدیر اجرایی تألیف

■ سرکار خانم آیتا ملالی ویراستار فنی کتاب

■ پریسا نوری، یگانه هراتی، محمدرضا اقبالی، تینا حنانی، گلناز فریادرس و خانم مرادی ویراستاران کتاب

**و گروه تولید:**

■ آقای حمیدرضا قدیگی مدیر توانمند تولید

■ آقای رضا باغبانی صفحه‌آرای چیره‌دست و پرتلاش

■ آقایان علی قربانی و مظاهر حسنی همکاران تولید

■ آقای محسن کامران‌پور و خانم الناز رضوانی حروف‌چین‌های عزیز

■ و محسن فرهادی نازنین مدیر گروه هنری

**هم‌چنین:**

کتاب ریشه‌های تاریخی امثال و حکم تألیف «مهدی پرتوی آملی» که «سرگذشت ضرب المثل‌ها» را از این کتاب ارزشمند وام گرفتیم.

◀ شهریار قبادی - اسماعیل محمدزاده

# فهرست

فصل اول ادبیات تعلیمی

فصل دوم ادبیات سفر و زندگی

آزمون فصل ۱ و ۲ ۸۴

فصل سوم ادبیات غنایی

فصل چهارم ادبیات پایداری

آزمون فصل ۱ تا ۴ ۱۵۶

فصل پنجم ادبیات انقلاب اسلامی

فصل ششم ادبیات حماسی

آزمون فصل ۱ تا ۶ ۲۳۱

فصل هفتم ادبیات داستانی

فصل هشتم ادبیات جهان

آزمون فصل ۱ تا ۸ ۳۰۶

تاریخ ادبیات جامع فارسی ۲ ۳۱۱

آزمون جامع تاریخ ادبیات ۳۱۳

گاه ۲۰ ۳۱۵

واژه‌نامه الفبایی ۳۱۷

۹

۵۳

۸۹

۱۲۳

۱۶۱

۱۹۳

۲۳۵

۲۷۱

## فصل اول

# ادبیات تعلیمی

- به نام کردگار هفت افلاک (ستایش)
- گشت یکی چشمه ز سنگی جدا (چشمه: درس یکم)
- دانشمندی در بیابان به چوپانی رسید (خلاصه دانش‌ها: گنج حکمت)
- تا توانی از نیکی کردن میاسا و... (از آموختن ننگ مدار: درس دوم)
- از سال چهارم تا ششم ابتدایی با خسرو هم‌کلاس بودم (خسرو: روان‌خوانی)



# درس فصل ۱

## تحلیل فصل و گونه‌شناسی

در این فصل، متن‌هایی را می‌خوانیم که در آنها شاعر یا نویسنده، خواسته است موضوع و مفهومی رفتاری، اخلاقی یا مسئله‌ای اجتماعی و پندآموز را به شیوه‌ی اندرز بازگو کند؛ برای این کار از داستان یا حکایت در قالب شعر و نثر بهره گرفته است؛ به این‌گونه آثار ادبی، «ادبیات تعلیمی» می‌گویند.

اثر تعلیمی، اثری است که با هدف آموزش و تعلیم، موضوع‌هایی از حکمت، اخلاق، مذهب یا دانشی از معارف بشری را بیان می‌کند. آثار تعلیمی می‌توانند تخیلی - ادبی باشند تا مسئله‌ای را به صورت روایی یا نمایشی با جذابیت بیشتر ارائه دهند. از این‌گونه آثار ادبی، به ویژه در کتاب‌های درسی و ادبیات کودک و نوجوان بهره می‌گیرند. بسیاری از شاهکارهای ادبی (قاپوس‌نامه، کلیله و دمنه، گلستان، بوستان، مثنوی معنوی) و آثار طنز، جنبه‌ی تعلیمی دارند.

## قلمرو زبان

### ساختمان واژه

واژه از نظر ساخت چهار نوع است:

- ۱ ساده: یک جزء معنادار است و قابل تجزیه نیست ← دنیا، نیمکت
- ۲ وندی: از یک جزء معنادار و یک یا چند جزء بی‌معنا (وند) تشکیل شده است ← درختان (درخت + ان) / زیبایی‌ها (زیب + ا + بی + ها)
- ۳ وندی - مرکب: از ترکیب چند جزء معنادار و یک یا دو جزء بی‌معنا تشکیل شده است ← دوچرخه (دو + چرخ + ه) / گلاب‌پاشی (گل + آب + پاش + ی) / پیرمردان (پیر + مرد + ان)
- ۴ مرکب: از چند جزء معنی‌دار تشکیل می‌شود ← گلاب‌پاش، کتابخانه

### گروه اسمی

هر گروه اسمی، یک «هسته» دارد که می‌تواند یک یا چند وابسته پیشین یا پسین داشته باشد.

معمولاً در یک گروه اسمی، اولین کسره را «هسته» می‌گیرند.

«کتاب تاریخ کهن مردم ایران»

هسته

وابسته‌های پیشین (قبل از هسته)

صفت پرسشی ← کدام، چه، چند

صفت اشاره ← این، آن، همین، همان

صفت تعجبی ← چه، عجب

صفت شمارشی ← یک، پنجمین

صفت مبهم ← همه، هر، هیچ، فلان

صفت عالی ← صفت ساده + ترین (بزرگ‌ترین)

شاخص ← استاد، سرلشکر

ت	تعجبی	تپش معاش
پ	پرسشی	
ش	شمارشی	
م	مبهم	
ع	عالی	
ا	اشاره	
ش	شاخص	

### ارکان اصلی جمله

هر جمله از اجزایی تشکیل می‌شود که برخی از آن‌ها اجزای اصلی هستند و نمی‌توان آن‌ها را حذف کرد:

۱ فعل ۲ نهاد ۳ مفعول ۴ مسند ۵ متمم

فعل: اسنادی (است، بود، ...) / غیر اسنادی (رفتم، شنیدم، می‌خوریم)

نهاد: صاحب خیر یا انجام‌دهنده کار

مفعول: در پاسخ «چه کسی/چیزی + را + فعل» می‌آید و کار بر روی آن واقع شده است. او کتاب را خرید (چه چیزی را خرید = کتاب) مسند: صفت و حالتی که به نهاد نسبت داده می‌شود و در پاسخ به پرسش «چه + فعل» می‌آید. دوستم ناراحت شد (چه شد؟ = ناراحت) متمم: کلمه‌هایی که بعد از حرف اضافه اختصاصی فعل قرار می‌گیرند. از او می‌ترسم (ترسیدن...از)

## قلمرو ادب

### حس آمیزی

یعنی آمیختن دو یا چند حس در کلام، به زبان دیگر یک حس از ویژگی‌های حس دیگر استفاده می‌کند ← فریاد تلخ (شنیدن + چشیدن) صفت غیر عادی می‌تواند از نشانه‌های «حس آمیزی» باشد مانند: «تلخ» در مثال بالا.

### مجاز

هر واژه یک معنای اصلی (حقیقی) و یک یا چند معنای غیراصلی (مجازی) دارد. کلمه‌ای که در معنای غیرحقیقی به کار رفته باشد، «مجاز» نامیده می‌شود.

واژه	معنای اصلی	معنای مجازی
سر	عضو بدن	فکر، خیال، جان، موی سر، عهد و پیمان
ما را سری است با تو که گر خلق روزگار		دشمن شونند و سر برود هم بر آن <u>سریم</u> عهد

- بیت یا عبارت موردنظر را معنی کنید تا بفهمید کدام واژه معنی حقیقی خود را ندارد.
- معمولاً نشانه‌ای وجود دارد که ذهن را از معنای حقیقی دور می‌کند.

جهان دل نهاده بر این داستان  
مجازاً: مردم جهان نشانه‌ای که ذهن را از حقیقت دور می‌کند.



### قلمرو ادب

### قلمرو فکری

**مفهوم:** قدرت آفرینش پروردگار  
**آرایه:** اشاره به داستان خلقت انسان (تلمیح) / هفت افلاک (مجازاً: همه هستی)، کف (مجازاً: مقدار اندک)

① به نام کردگار هفت افلاک  
که پیدا کرد آدم از کنی خاک

**مفهوم:** درخواست رحمت و بخشش الهی  
**آرایه:** نظر (مجازاً: توجه) / یار و کار (جناس ناهمسان)

② الهی، فضل خود را یار ما کن  
ز رحمت، یک نظر در کار ما کن

**مفهوم:** رزاق بودن و خالق بودن خدا  
**آرایه:** پیدا و پنهان (مجازاً: همه موجودات)، دانا و نادان (مجازاً: همه موجودات) / اشاره به آیاتی که درباره «الرزاق» بودن پروردگار است. (تلمیح) / پیدا و پنهان، دانا و نادان (تضاد)

③ تویی رزاق هر پیدا و پنهان  
تویی خالق هر دانا و نادان

**مفهوم:** آگاهی خداوند بر همه چیز / همه هستی از خداوند است.  
**آرایه:** آشکار و نهان (تضاد و مجازاً: همه وجود)، کام و زبان (مجازاً: تکلم و سخن گفتن)

④ زهی گویا ز تو، کام و زبانه  
تویی هم آشکارا، هم نهانم

**مفهوم:** زیبایی‌های طبیعت گوشه‌ای از زیبایی‌های خداست.  
**آرایه:** پرده برداشتن (کنایه از: آشکار کردن)

⑤ چو در وقت بهار آبی پدیدار  
حقیقت، پرده بردارے ز زخار

**مفهوم:** زیبایی‌های طبیعت گوشه‌ای از زیبایی‌های خداست.  
**آرایه:** خاک (مجازاً: زمین) / نقش‌ها (استعاره: گل‌ها و سبزه‌ها)، فروغ روی (استعاره‌ای که «مشبه به» محذوف است) / روی و سوی (جناس ناهمسان)

⑥ فروغ رویت اندازی سوی خاک  
عجایب نقش‌ها سازی سوی خاک

**مفهوم:** جلوه‌گری زیبایی‌های خداوند در جهان / عشق به خداوند زیبایی می‌آورد.  
**آرایه:** خندان شدن گل (کنایه از: شکفتن گل) / علت رنگارنگ بودن گل‌ها، شاعرانه است. (حسن تعلیل)

⑦ گل از شوق تو خندان در بحار است  
از آتش رنگ‌های بی‌شمار است

**مفهوم:** عجز شاعر در توصیف خدا / ناکافی بودن هر توصیفی برای خداوند  
**آرایه:** اشاره به آیه «سبحانه و تعالی عما یصفون»: خداوند از آنچه وصفش می‌کند بالاتر است. (تلمیح) / آن و جان (جناس ناهمسان)

⑧ هر آن وصفی که گویم، بیش از آنی  
یقین دانم که بی‌شک، جان‌جانی

**مفهوم:** خداوند قادر و آگاه است.  
**آرایه:** نمی‌دانم و تو دانی (تکرار) / نمی‌دانم و دانی (تضاد)

⑨ نمی‌دانم، نمی‌دانم، الهی  
تو دانی و تو دانی، آنچه خواهی

واژگان

از آتش: از آن جهت برای او	زهی*: آفرین	هفت افلاک: هفت آسمان (به باور بسیاری از
افلاک*: ج فلک، آسمان، چرخ	عجایب: چیزهای عجیب و شگفت‌آور و بدیع	ادیان، هفت آسمان وجود دارد)
جانِ جان: روح اعظم، جان همهٔ پدیده‌ها	فروع*: روشنائی، پرتو	وصف: تشریح، تعریف، توصیف
خلاق: آفریننده	فضل*: بخشش، کرم، نیکویی، دانش	پدیدار: آشکار، ظاهر
رحمت: مهربانی، بخشش (هم‌معنی: شفقت)	کام*: سقف دهان، مجازاً دهان، زبان	پیدا کرد: خلق کرد، آفرید
رخسار: چهره	کردگار: خدای تعالی (در اصل: انجام‌دهنده)	
رزاق*: روزی‌دهنده	کفی خاک: یک کف دست خاک	

املا

فضل و بخشش - نظر و نگاه - رزاق و خلاق - زهی و احسنت - رُخسار زیبا - فروغ روی - عجایب نقش‌ها - وصف و تشریح - یقین دانم و مسلم

دستور

- ۱) کردگار: وندی (کرد + گار) / هفت افلاک: ترکیب وصفی
  - ۲) «ی» در «تویی» از نوع فعل است. (تو هستی)
  - ۳) «زهی» یک جمله محسوب می‌شود. (زهی گویا ز تو کام و زبانم)
  - ۴) جهش ضمیر: در «از آتش رنگ‌های بی‌شمار است»، ضمیر «ش» وابستهٔ «رنگ‌ها» و مضاف‌الیه است / مسند: گل از شوق تو خندان در مسند
- بهار است.
- ۵) جمله: بی‌شک جان جانی (تو بی‌شک جان جان هستی)  
نهاد قید مسند فعل





## قلمرو ادب

## قلمرو فکری

- ① گشت یکی چشمه زنگی جدا  
غفله زن، چهره نما، تیزپا
- مفهوم:** توصیف چشمه که خود، نماد انسان‌های مغرور است. / جلوه‌گری  
**آرایه:** چهره‌نما (کنایه از: خودنما، جلوه‌گر)
- ② گه بر دهان، برزده کف، چون صدف  
گاه چو تیری که رود بر حدف
- مفهوم:** توصیف ظاهر و سرعت چشمه / سریع و خشمگین  
**آرایه:** کف بر دهان زدن (کنایه از: خشمگین و سرمست شدن) البته می‌تواند منظور «چشمه کف آلود» هم باشد. / صدف و هدف (جناس ناهمسان) / چشمه چون صدف، چشمه چو تیری... (تشبیه)
- ③ گفت: درین مسرکه، یکتا نمم  
تاج سر گلبن و صحرا، نمم
- مفهوم:** خودخواهی، تعریف از خود  
**آرایه:** تاج سر بودن (کنایه از: بزرگ و سرور بودن) / بزرگ‌نمایی یکتایی چشمه (اغراق) / نسبت دادن سر به گلبن و صحرا (تشخیص)
- ④ چون بدوم، سبزه در آغوش من  
بوسه زنده بر سر و بردوش من
- مفهوم:** عزیز دانستن خود / خودستایی  
**آرایه:** دویدن، بوسه زدن سبزه بر سر و دوش چشمه (تشخیص) / آغوش، سر، دوش (مراعات نظیر) / سر و بر (جناس ناهمسان)
- ⑤ چون بگشایم ز سر مو، شگن  
ماه بیند رخ خود را به من
- مفهوم:** خودشیفتگی / توصیف زلالی و پاکی چشمه  
**آرایه:** نسبت دادن گشودن مو به چشمه، نسبت دادن رخ به ماه (تشخیص)
- ⑥ قطره باران که در افتد به خاک  
زو بدد بس گهر تابناک
- مفهوم:** باران، گل‌ها و گیاهان را می‌رویاند.  
**آرایه:** گهر (استعاره: گل‌ها و گیاهان) / خاک (مجازاً: زمین)
- ⑦ در بر من، ره چو به پایان برد  
از نجلی سر به گریبان برد
- مفهوم:** خودستایی و تعریف از خود  
**آرایه:** سر به گریبان بردن (کنایه از: پنهان شدن) / نسبت دادن خجلی به قطره (تشخیص) / بر و سر (جناس ناهمسان)
- ⑧ ابر ز من، حامل سرمایه شد  
باغ ز من، صاحب پیرایه شد
- مفهوم:** افتخار به تأثیر خود بر ابر و طبیعت / خودستایی  
**آرایه:** سرمایه (استعاره: باران) / حامل سرمایه شدن ابر و صاحب پیرایه شدن باغ (تشخیص)
- ⑨ گل به همه رنگ و برزندگی  
می‌کند از پرتو من زندگی
- مفهوم:** نازیدن به این‌که زندگی گل (زیبایی‌ها) به وجود او بستگی دارد / خودستایی  
**آرایه:** زندگی کردن گل (تشخیص)

۱۰ در بن این پرده نیلوفرے  
کیست کند با چو منی همسری؟

**مفهوم:** زیاده‌روی در توصیف خود/ خودستایی  
**آرایه:** پرده نیلوفری (استعاره: آسمان) / بزرگ‌نمایی بی‌همتایی چشمه (اغراق)

۱۱ زین نط آن مست شده از غرور  
رفت و ز مبدأ چو کئی گشت دور،

**مفهوم:** غرور و بی‌خبری  
**آرایه:** مست شدن (کنایه از: از خود بی‌خود شدن) / نسبت دادن مستی به چشمه (تشخیص)

۱۲ دید یکی بحر خروشنده‌ای  
سنگنی، نادره جوشنده‌ای

**مفهوم:** توصیف عظمت و مهابت دریا  
**آرایه:** بحر خروشنده (تشخیص)

۱۳ نعره بر آورده، فلک کرده کر  
دیده یه کرده، شده زهره در

**مفهوم:** بزرگی و شکوه و مهابت دریا  
**آرایه:** دیده سیه کردن (کنایه از: چشم دوختن، خیره شدن)، زهره در (کنایه از: ترسناک)

۱۴ راست به مانند یکی زلزله  
داده تنش بر تن ساحل، یله

**مفهوم:** توصیف موج‌های سهمگین و بزرگ دریا، عظمت و اقتدار دریا  
**آرایه:** تن (تکرار) ساحل (تشخیص) / تن دریا مانند زلزله بر تن ساحل یله داده بود. (تشبیه)

۱۵ چشمه کوچک چو به آنجا رسید  
وان همه هنگامه دریا بید

**مفهوم:** حیرت در برابر عظمت دریا  
**آرایه:** چشمه (نماد: کوچک و حقیر بودن)، (نماد: بزرگی) / دیدن هنگامه (هنگامه: فریاد، حس آمیزی)

۱۶ خواست کزان ورطه، قدم درکشد  
خویشن از حادثه برتر کشد  
رها کردن

**مفهوم:** عقب‌نشینی و فرار از موقعیت خطرناک  
**آرایه:** قدم درکشیدن (کنایه از: دوری کردن، عقب‌نشینی کردن)، برتر کشیدن (کنایه از: رها کردن)

۱۷ لیک چنان خیره و خاموش ماند  
کز همه شیرین‌سخنی، گوشش ماند

**مفهوم:** حیرت و درماندگی / سکوت  
**آرایه:** شیرین‌سخنی (حس آمیزی: چشایی + شنوایی) / خیره و خاموش ماندن (کنایه از: ساکت شدن و توبه کردن)

۱۸ یکی قطره باران ز ابری چکید  
خجل شد چو پهنای دریا بید

**مفهوم:** تواضع  
**آرایه:** قطره و دریا (تضاد) / نسبت دادن خجل به قطره (تشخیص) / قطره، باران، دریا (مراعات نظیر)

واژگان

نادره*: بی‌مانند، بی‌نظیر	راست: درست، عیناً	بحر: دریا
نیلوفری*: به رنگ گل نیلوفر، کبودرنگ، در متن درس مقصود از «پرده نیلوفری» آسمان لاجوردی‌ست.	زهره در شدن: به ترس و وحشت افتادن، بسیار ترسیدن	برازندگی*: شایستگی، لیاقت
نمط*: روش، نوع	شکن*: پیچ و خم زلف	برزدن: بیرون زدن، بالا آوردن
ورطه*: زمین پست، مهلکه، هلاکت	غلغله‌زن*: شور و غوغاکنان	بن: زیر، تحت
همسری: برابری	فرج*: گشایش، گشایش در کار و مشکل	پیرایه*: زیور
هنگامه*: غوغا، داد و فریاد، شلوغی، جمعیت مردم	قفا*: پس گردن، پشت گردن، پشت، گریبان: یقه	تعلل*: بهانه آوردن، درنگ کردن
یله*: رها، آزاد؛ یله دادن*: تکیه دادن	گلبن*: بوته گل، بیخ بوته گل، گل سرخ	تیزیا*: شتابنده، سریع
	معرکه*: میدان جنگ، جای نبرد	جوشنده: متلاطم، موج
	مفتاح*: کلید	خیره*: سرگشته، حیران، فرومانده، لجوج، بیهوده
		دمیدن: برآمدن، سرزدن، روییدن
		دوش: کتف

املا

غلغله‌زن - صدف و هدف - معرکه و میدان - آغوش من - حامل سرمایه - صاحب پیرایه - رنگ و برازندگی - نمط و روش - بحر خروشنده - سهمگین و جوشنده - نعره برآوردن - هنگامه دریا - ورطه و مهلکه - قدم درکشیدن - حادثه دشوار - زهره و جرئت

دستور

- ۲ حذف فعل «بود» به قرینه معنوی (گاهی چون صدفی بود که ... و گاهی چون تیری بود که به سوی هدف می‌رود).
- ۸ ترکیب: حامل سرمایه (مضاف و مضاف‌الیه)، صاحب پیرایه (مضاف و مضاف‌الیه)
- ۹ تعداد جمله: یک جمله است و دارای شیوه بلاغی است.
- ۱۰ بیت به صورت پرسش انکاری بیان شده است. (چه کسی می‌تواند با من هم‌رتبه باشد؟ هیچ‌کس)
- ۱۱ گروه اسمی: این نمط (ترکیب وصفی)، آن مست‌شده (ترکیب وصفی)
- ۱۲ ۵ ترکیب وصفی: یک بحر - بحر خروشنده - بحر سهمگین - بحر نادر - بحر جوشنده
- ۱۳ تعداد جمله: چهار جمله (نعره برآورده + فلک کرده کر + دیده سیه کرده + شده زهره‌در)
- ۱۵ ترکیب: آن‌جا (وصفی)، آن همه هنگامه (وصفی)، هنگامه دریا (اضافی)، چشمه کوچک (وصفی)

ساختمان واژه

یکتا (مرکب: یک + تا «تا» یعنی مثل و مانند)، گلبن (مرکب: گل + بن)، خجلی (وندی: خجل + «ی» مصدری)، سرمایه (مرکب: سر + مایه)

گنج حکمت: خلاصه دانش‌ها

قلمرو ادب

قلمرو فکری

- ۱ تا راست تمام نشده، دروغ نگویم.  
مفهوم: راست‌گویی و پرهیز از دروغ‌گویی  
آرایه: راست و دروغ (تضاد)
- ۲ تا مال حلال تمام نشده، حرام نخورم، تا از عیب و گناه خود، پاک نگردم، عیب مردم نگویم.  
مفهوم: پرهیز از نادرستی و مال حرام/ نکوهش عیب‌گویی و غیبت  
آرایه: حلال و حرام (تضاد)

۳ تا روزی خدا تمام نشده، به در خانه دیگری نروم.

**مفهوم:** رزاق بودن خدا/ نکوهش درخواست از غیر خدا

**آرایه:** به در خانه کسی رفتن (کنایه از: التماس کردن)

۴ تا قدم به بهشت نگذاشته‌ام، از هوای نفس و شیطان غافل نباشم.

**مفهوم:** اهمیت ندادن به امیال شخصی و نادرست

**آرایه:** قدم به جایی گذاشتن (کنایه از: وارد شدن، ورود)

### قلمرو زبان

#### واژگان

روزی: رزق و خوراک هرروزه، غذای روزانه  
هوای نفس: میل شخصی و مادی

حکمت: معرفت، علم  
خصلت: ویژگی، عادت

تحصیل: فراگیری، آموختن  
حقاً: به‌راستی، یقیناً

#### املا

تحصیل علم - راست و دروغ - حلال و حرام - عیب و گناه - قدم گذاشتن - هوای نفس - غافل و بی‌خبر - خصلت و ویژگی - سیراب شدن - حقیقت علم و حکمت

#### دستور

۲ ترکیب: مال حلال (وصفی)، عیب خود، گناه خود (اضافی) / نوع «واو»: عیب و گناه (واو عطف) / مفعول: عیب مردم

#### ساختمان واژه

بیابان (ساده)، چوپان (ساده)

## سرگذشت ضرب‌المثل‌ها

### گرگ باران دیده

علت نامگذاری گرگ باران دیده چیست و با وجود آن‌که هم‌جانوران درنده وحشی شش ماه پاییز و زمستان را در زیر برف و باران به سر می‌برند چرا گرگ باران دیده به صفت مجرب و آزموده و دنیا دیده متصف گردیده؟

شادروان داعی‌الاسلام صاحب فرهنگ نظام، وجه تسمیه ضرب‌المثل بالا را این طور توصیف می‌کند که: «گرگ تا وقتی که باران ندیده است از آن بسیار می‌ترسد و حتی‌الامکان احتیاط می‌کند تا این‌که بر سبیل اتفاق مجبور به خوردن باران نشود، بعد از آن دیگر نمی‌ترسد. از این جهت مثل مذکور برای کسی استعمال می‌شود که مجرب و زیرک شده باشد.»





۱. کدام واژه مترادف «زمین پست» نیست؟
  - (۱) هلاکت
  - (۲) ورطه
  - (۳) مهلک
  - (۴) مهلکه
۲. معنی کدام واژه در برابر آن نادرست آمده است؟
  - (۱) نمط: نوعی فرش
  - (۲) تیزپا: شتابنده
  - (۳) نادره: بی‌مانند
  - (۴) خاییدن: به‌دندان نرم کردن
۳. یکی از معانی نوشته‌شده در برابر کدام واژه غلط است؟
  - (۱) هنگامه: جمعیت مردم، داد و فریاد
  - (۲) گلبن: گل سرخ، بیخ بوته گل
  - (۳) تعلل: بهانه آوردن، درنگ کردن
  - (۴) معرکه: شلوغی، جای نبرد
۴. معانی درست واژه‌های «برازندگی - غلغله زن - زهی» به ترتیب کدام است؟
  - (۱) جوانی - جوشان - پروردگار
  - (۲) لیاقت - شوروغوغاکنان - آفرین
  - (۳) شادابی - شوروغوغاکنان - پروردگار
  - (۴) رعایت ادب - خشمگین - آفرین
۵. معنای چند واژه در برابر آن درست است؟
  - (۱) شش
  - (۲) هفت
  - (۳) پنج
  - (۴) چهار

(یله: آزاد)، (پیرابه: زیور)، (کام: سقف دهان)، (فروغ: پرتو)، (رزاق: عفوکننده)، (خلاق: آفریننده)، (گریبان: افسار)، (سهمگن: ترسناک)
۶. معنی واژه «راست» در کدام بیت متفاوت است؟
  - (۱) پس مقالات من و مجلس من
  - (۲) تو شکار شیر خواهی و بدان نشاط جویی
  - (۳) دروغی می‌سرایم راست مانند
  - (۴) سایه برگ بیدگاه شمال

راست چون زیره و چون کرمانست  
که شکارگه ز خون راست به کارزار ماند  
به نسبت می‌دهم با عشق پیوند  
راست چون ماهیان در آب زلال
۷. در کدام بیت واژه «همسری» معادل این واژه در بیت زیر نیست؟
  - (۱) آن کیست که همسری کند با وی
  - (۲) آن کیست کاو به ملک کند با تو همسری
  - (۳) با موی و روی تو نکند همسری به حُسن
  - (۴) پذیرفت شاهنشاه از مادرش

«در بن این پرده نیلوفری  
کیست کند با چو منی همسری»  
یا لاف برابری زند با او  
از روم تا به هند وز چین تا به قیروان  
بر سر اگر ز مشک نهد افسر آفتاب  
نهاد افسر همسری بر سرش
۸. واژه «شکن» در کدام بیت کاربرد متفاوت دارد؟
  - (۱) تا گرفتار سر زلف سیاهت گشته‌ام
  - (۲) اندر میان عاشقان صد کشته و خسته بود
  - (۳) باد می‌زد نرم‌نرمک بر کنار زلف او
  - (۴) توبه نبود جز شکست خویشتن

گشته‌ام مانند یک مو و اندر آن مو صد شکن  
چشم تو را در هر نظر زلف تو را در هر شکن  
بوی مشک و بوی عنبر می‌رسید از هر شکن  
توبه خواهی نشکند خود را شکن
۹. معنی «فضل» در کدام بیت متفاوت است؟
  - (۱) شنیدی این شگفتی‌ها که ایزد
  - (۲) خدای را چه توان گفت شکر فضل و کرم
  - (۳) آدمی فضل بر دگر حیوان
  - (۴) اگر فضل است و بخشش تا بخواهی

به جای بنده کرد از فضل و احسان  
بدین نظر که دگرباره کرد بر عالم  
به جوانمردی و ادب دارد  
فقیر و بینوا و مستمندم

۱۰. تلفظ و معنی «قوت» در کدام بیت متفاوت است؟

- ۱) خانه این‌جا که بهر قوت کنند
- ۲) عاشق چو غم تو را غذا کرد
- ۳) ز تو این قوت بازو نیاید
- ۴) قوت هر کس به قدر همت اوست

۱۱. در کدام بیت شاعر واژه «خیره» را به معنای «حیران و سرگشته» به کار برده است؟

- ۱) که گفتار خیره نیرزد به چیز
- ۲) ازین پس به خیره مریزید خون
- ۳) بدو در دو چشمش همی خیره ماند
- ۴) هنوز ماه ز آوای کوس او مدهوش

۱۲. در همه ابیات واژه‌هایی وجود دارد که معادل معنایی «آسمان» است به جز .....

- ۱) گر ز جورت به چرخ ناله کنم
- ۲) فلک چو دید سرم را اسیر چنبر عشق
- ۳) چرخ نیلوفری آن لحظه زند خنده چو گل
- ۴) روزن بانگ نی و چنگ کنی

۱۳. در کدام بیت معادل معنایی «پرده نیلوفری» آمده است؟

- ۱) فلک هر ساعتی از بی‌وفایی
- ۲) سبزه‌ها می‌دمد و آب روان می‌آید
- ۳) گرچه آب روان بود در جو
- ۴) توان دیدن اگر لطفش به رحمت

۱۴. در نوشته زیر چند غلط املائی وجود دارد؟

«او را ظهراً این کار نبود و نمی‌خواست خود را در ورطهٔ ظلم رها کند. چنان بود که کسی را به چشم حقارت نمی‌دید و سعی در گردآوری مال حلال می‌کرد.»

- ۱) یک (۲) سه (۳) دو (۴) چهار

۱۵. واژه‌های کدام گزینه جای خالی بیت زیر را پر می‌کند؟

- «غرقة..... فراق توأم و تشنهٔ وصل  
وین چنین تا به ابد ..... تو بتوان بودن»
- ۱) بحر - بهر (۲) بحر - بحر (۳) بهر - بهر (۴) بهر - بحر

۱۶. در کدام گزینه غلط املائی مشاهده می‌شود؟

- ۱) خوش خفتند در راه که هیچ آواز و غلغله نبود.
- ۲) دانستم که من در حق او گناهی کرده‌ام که نادانی مرا بر آن حامل و باعث بود.
- ۳) برازنده‌گی‌اش زبانزد دوران بود که کسی را یارای همسری با وی نبود.
- ۴) از این نمط دمدمه و افسون بر ایشان دمید.

۱۷. در کدام گزینه غلط املائی مشاهده می‌شود؟

- ۱) آفتاب از رخ تو جسته فروغ
- ۲) هر دم از خانه، رخ به در دارد
- ۳) اشک خونین چو شراب است و دل خسته کباب
- ۴) زهی جبریل پیک درگه تو

- ۱) آسمان بر در تو برده نماز
- ۲) در پی عاشقی نذر دارد
- ۳) رزق عشاق تو این‌گونه ز رزاق آمد
- ۴) همه کارش شد آمد در ره تو

### ۱۸. جای خالی کدام بیت را واژه «خواست» پر می‌سازد؟

- (۱) ز آب شمشیرش طوفان دگر خواهد .....  
 (۲) ز بی‌قوتیش ..... از جان نفیر  
 (۳) گفت این از خدای باید .....  
 (۴) به پا ..... ز آن لشکر بی‌حساب

### ۱۹. در کدام بیت، همه واژه‌ها با املای صحیح نوشته شده است؟

- (۱) دقیقی چار خسلت برگزیده است  
 (۲) ز مبدع و ز پایانست بیرون  
 (۳) سال‌ها تحصیل کردم در علوم  
 (۴) ای قمر تابناک برج امامت  
 به گیتی در، ز خوبی‌ها و زشتی  
 که او باشد بلند و این و آن دون  
 خوانده‌ام بسیار در الم نجوم  
 وی گهر آبدار درج کرامت

### ۲۰. پس از مرتب ساختن بیت زیر براساس ترتیب اجزای جمله در زبان فارسی، آخرین واژه کدام خواهد بود؟

- «گشت یکی چشمه ز سنگی جدا غلغله‌زن، چهره‌نما، تیزپا»  
 (۱) غلغله‌زن (۲) چهره‌نما (۳) گشت (۴) تیزپا

### ۲۱. پس از مرتب ساختن اجزای جمله، ضمیر «ش» پس از کدام واژه می‌آید؟

- «باز چون برشد سوی معراج عشق دست حق بر سر نهادش تاج عشق»  
 (۱) دست (۲) سر (۳) تاج (۴) عشق

### ۲۲. در همه عبارات «ش» نقش مفعول دارد به جز .....

- (۱) دیدمش نماز می‌خواند.  
 (۲) آوردمش به مسجد تا نمازی بگذارد.  
 (۳) گفتمش بر رعیت ضعیف رحمت کن.  
 (۴) رساندمش به اقلیمی که نعره عشاق گوش کر می‌کرد.

### ۲۳. در کدام بیت تعداد مفعول بیشتر است؟

- (۱) گر غصه روزگار گویم  
 (۲) بر من دل انجمن بسوزد  
 (۳) یاران صبوحی‌ام کجایند  
 (۴) درد دل بی‌قرار سعدی  
 بس قصه بی‌شمار گویم  
 گر درد فراق یار گویم  
 تا درد دل خمار گویم  
 هم با دل بی‌قرار گویم

### ۲۴. در کدام بیت مفعول وجود ندارد؟

- (۱) گفت: درین معرکه، یکتا منم  
 (۲) خواست کزان ورطه، قدم درکشد  
 (۳) دید یکی بحر خروشنده‌ای  
 (۴) لیک چنان خیره و خاموش ماند  
 تاج سر گلبن و صحرا منم  
 خویشتن از حادثه برتر کشد  
 سهمگنی، نادره جوشنده‌ای  
 کز همه شیرین‌سخنی، گوش ماند

### ۲۵. در کدام گزینه «را» نشانه مفعول نیست؟

- (۱) اگر تو فارغی از حال دوستان یارا  
 (۲) که گفت در رخ زیبا، نظر خطا باشد  
 (۳) به دوستی که اگر زهر باشد از دستت  
 (۴) کسی ملامت وامق کند به نادانی  
 فراغت از تو میسر نمی‌شود ما را  
 خطا بود که نبیند روی زیبا را  
 چنان به ذوق ارادت خورم که حلوا را  
 حبیب من که ندیدست روی عذرا را

### ۲۶. در کدام عبارت «قید» وجود دارد؟

- (۱) گویا عطار هم این آمادگی را داشت.  
 (۲) از دیگر منظومه‌هایش، مصیبت‌نامه است.  
 (۳) این مثنوی حدود ۴۶۰۰ بیت دارد.  
 (۴) او به سرودن رباعیات متفکرانه مشهور بوده است.

**۲۷. کدام گزینه علاوه بر مسند، مفعول هم دارد؟**

- (۱) مضمون عمده شعر این دوره هنوز مدح است.  
(۲) او این را زیباترین شعر انوری دانسته است.

- (۳) زبان شعر عموماً نسبت به دوره گذشته نرم تر است.  
(۴) سیاست کلی سلجوقیان بر حمایت از شعر استوار نبود.

**۲۸. تمامی افعال کدام گزینه مفعول پذیر هستند؟**

- (۱) چو در وقت بهار آیی پدیدار  
(۲) هر آن وصفی که گویم، بیش از آنی  
(۳) نمی دانم، نمی دانم، الهی  
(۴) تویی رزاق هر پیدا و پنهان

- حقیقت، پرده برداری ز رخسار  
یقین دانم که بی شک، جان جانی  
تو دانی و تو دانی، آنچه خواهی  
تویی خلاق هر دانا و نادان

**۲۹. در کدام بیت جابه جایی ارکان و اجزای جمله صورت نگرفته است؟**

- (۱) همه یاد داربند پیر و جوان  
(۲) همانا که بر خون اسفندیار  
(۳) فرامرز کز بهر خون پدر  
(۴) به آواز گفتند ما بنده ایم

- هر آن کس که هستی در روشن روان  
به زاری بگرید به ایوان نگار  
به خورشید تابان برآورد سر  
همه دل به مهر تو آکنده ایم

**۳۰. کدام کلمه، در عبارت «رستم از هیچ کوششی فرو نمی گذارد تا بلکه کار اسفندیار با مسالمت خاتمه پذیرد.» هسته گروه اسمی نیست؟**

- (۱) کار (۲) رستم (۳) اسفندیار (۴) کوشش (سراسری ۸۳)

**۳۱. هسته گروه اسمی روبه روی همه گروهها درست است به جز .....**

- (۱) تعیین ارزش دقیق معنایی عناصر زبان: (ارزش)  
(۲) مجموعه آثار ادبی گذشته این مرزوبوم: (مجموعه)  
(۳) رابطه هم نشینی هر واحد زبانی با واحد زبانی دیگر: (رابطه)  
(۴) کوچک ترین واحد زبانی با معنای مستقیم و غیر مستقیم: (واحد) (سراسری ۹۴)

**قلمرو ادب**

**۳۲. واژه «چشمه» در کدام بیت «نماد» به کار رفته است؟**

- (۱) نشست از بر چشمه فرخنده پی  
(۲) دو چشمش چو دو چشمه تابان ز خون  
(۳) دگر چشمه آب یابی چو زهر  
(۴) بدو اندرون چشمه بود و درخت

- یکی جام زر دید پر کرده می  
همی آتش آمد ز کامش برون  
کزان آب مرغ و ددان راست بهر  
به شادی نهادند هر جای تخت

**۳۳. در کدام بیت «سرو» انسان تصوّر نشده است؟**

- (۱) ای سرو، که اسباب جوانی همه داری  
(۲) ای سرو جهان باز، به چمن  
(۳) ای سرو ناز حسن که خوش می روی به ناز  
(۴) ماهی که قدش به سرو می ماند راست

- با ما به جفا پنجه مینداز، که پیریم  
تا سرو، رود در سجده چو من  
عشاق را به ناز تو هر لحظه صد نیاز  
آینه به دست و روی خود می آراست

**۳۴. در کدام گزینه جان بخشی صورت نی پذیرفته است؟**

- (۱) گر صبح گریبان شب تار دَرَد  
(۲) نگار جامه فروشم کلاه پوش آمد  
(۳) صائب ز برگریز بَرَد فیض نوبهار  
(۴) بر آن شد کز غم آن سرو چالاک

- آینه عیش عاشقان تیره شود  
گشاده چاک گریبان، قبا به دوش آمد  
چون غنچه هر که سر به گریبان کشیده است؟  
گریبان همچو گل بر تن زند چاک

### ۳۵. در همهٔ ابیات آرایهٔ تشخیص به کار رفته است به جز .....

- ۱) هر که از میهن سخن گوید کلامش دلرباست
- ۲) بدرد چو گل جامه از دست خار
- ۳) اگر بلبل ثنای گل دو روزی در چمن گوید
- ۴) آن خسرو شیرین‌دهن خندد به آب چشم من

- ۱) نغمه‌های بلبل این باغ رنگین‌تر بود
- ۲) که خون در دل افتاده خندد چو نار
- ۳) منم مداح تو کز جان ثنا خوانم به جان تو
- ۴) چون ابر گرید در چمن گل‌های خندان پرورد

### ۳۶. در کدام بیت «کنایه» وجود ندارد؟

- ۱) گفت در این معرکه، یکتا منم
- ۲) گشت یکی چشمه ز سنگی جدا
- ۳) قطرهٔ باران که درافتد به خاک
- ۴) در بر من، ره چو به پایان بَرَد

- ۱) تاج سر گلبن و صحرا، منم
- ۲) غلغله‌زن، چهره‌نما، تیزپا
- ۳) زو بدمد بس گهر تابناک
- ۴) از خجلی سر به گریبان بَرَد

### ۳۷. در کدام بیت «حس آمیزی» آرایهٔ سخن شده است؟

- ۱) گرچه شیرین و دلکش است رطب
- ۲) ندهد شربت شیرین به کسی
- ۳) سعدی اندازه ندارد که چه شیرین‌سخنی
- ۴) که این نی ز چاهی برآمد بلند

- ۱) نخورد طفل اگر بداند تب
- ۲) که در آن یافت نگردد مگسی
- ۳) باغ طبعت همه مرغان شکرگفتارند
- ۴) که شیرین‌ترست از نیستان قند

### ۳۸. در کدام بیت از آرایهٔ حس آمیزی استفاده نشده است؟

- ۱) ساکنانش در سخن شیرین چو نوش
- ۲) تر و خشکند و گرم و سرد به هم
- ۳) ز چشم شور حاسد تلخ شد خوابم، چه حرف است این
- ۴) همیشه بهر سخن خون خوردیم، از آن ما را

- ۱) خوبروی و نرم‌خوی و ساده‌پوش
- ۲) نرم رفتار و تیز گرد به هم
- ۳) که تلخی را نمک از طینت بادام می‌گیرد
- ۴) ز گریه چون قلم سرخی است، مژگان سرخ

### ۳۹. در همهٔ ابیات «حس آمیزی» به کار رفته است، به جز .....

- ۱) در جوانی به که باشی هم‌سلوک آفتاب
- ۲) کدامین پدر هرگز این کار کرد
- ۳) سرد است هوا هر دم پیش آر می و آتش
- ۴) به چشمت خیره گشتم کز دلت آگه شوم، اما

- ۱) تا هوا گرم است باید گرمی رفتار سرد
- ۲) سزاوارم اکنون به گفتار سرد
- ۳) چون اشک دل عاشق کز یار همی‌پوشد
- ۴) چه رازی می‌توان خواند از نگاه سرد خاموشی

### ۴۰. در کدام بیت آمیختن سه حس سبب پدید آمدن آرایهٔ «حس آمیزی» شده است؟

- ۱) سرود مجلس است اکنون فلک به رقص آرد
- ۲) هر جا که شعر صائب شیرین کلام هست
- ۳) نغمهٔ شعر من، از عشق تو هر جا که رود
- ۴) گفتیم شعر نازک و شیرین و آبدار

- ۱) که شعر حافظ شیرین سخن ترانهٔ توست
- ۲) آب حیات و چشمهٔ کوثر چه حاجت است؟
- ۳) شور شیرین و غم کوهکن آید به میان
- ۴) چون شد ردیف شعر تر ما دهان دوست

### ۴۱. در همهٔ گزینه‌ها به جز گزینهٔ ..... ، آرایهٔ «حس آمیزی» وجود دارد.

- ۱) آهنگ لطیف و پر جلال تو برای دنیای ناچیز ما خیلی زیاد است. (۲) این صدا، طنینی طبیعی و زمزمه‌ای گرم و سوزان و خدایی است.
- ۳) یک گوش واحد است که این هر دو صدا را می‌شنوند. (۴) گوش من غرق شنیدن صدای شیرین تو شده است.

(سراسری ۸۰)

(سراسری ۸۵)

### ۴۲. در کدام بیت، آرایهٔ حس آمیزی به کار رفته است؟

- ۱) یا برو همچون زنان رنگی و بویی پیش گیر
- ۲) هر خسی از رنگ گفتاری بدین ره کی رسد
- ۳) برگ بی‌برگی نداری، لاف درویشی مزین
- ۴) چرخ گردون این رسن را می‌رساند تا به چاه

- ۱) یا چو مردان اندر آی و گوی در میدان فکن
- ۲) درد باید پرده‌سوز و مرد باید گام‌زن
- ۳) رخ چو عیاران نداری، جان چو نامردان مکن
- ۴) گر همی صحرات باید، چنگ درزن در رسن

(سراسری ۸۵)

۴۳. در همهٔ ابیات به جز بیت .....، آرایهٔ حس آمیزی به کار رفته است.

- ۱) آخر این نالهٔ سوزنده اثرها دارد
  - ۲) زان لب که مژدهٔ نفسش آب زندگی است
  - ۳) ز اضطراب دل و لکنت زبان پیداست
  - ۴) رنگین‌سخنان در سخن خویش نهانند
- شب تاریک فرورزنده سحرها دارد  
دشنام تلخ هم به دعاگو نمی‌رسد  
که شمع هم، دم مُردن وصیتی دارد  
از نکهٔ خود نیست به هر حال، جدا گل

(سراسری ۸۵)

۴۴. در کدام بیت، آرایهٔ حس آمیزی مشهود نیست؟

- ۱) دولت فقر خدایا به من ارزانی دار
  - ۲) صد میکده خون بیش کشیده است لب من
  - ۳) بی‌چشمهٔ نوشی نشود نالهٔ گلسوز
  - ۴) نشئهٔ دیدار ساقی رونق مستی شکست
- کاین کرامت سبب حشمت و تمکین من است  
تا کار به رنگینی گفتار کشیده است  
شیرین‌سخنی نی ز لب یار کشیده است  
هیچ‌کس بویی ز می در شیشه و ساغر ندید

۴۵. در مصراع «همه شهر ایران به دیدن شدند» چه آرایه‌ای وجود دارد؟

- ۱) استعاره
- ۲) مجاز
- ۳) کنایه
- ۴) جناس

(سراسری)

۴۶. کلمهٔ «جهان» در بیت: «جهان دل نهاده بر این داستان

- ۱) جناس
  - ۲) تشبیه
  - ۳) سجع
  - ۴) مجاز
- همان بخردان و همان راستان» دارای کدام آرایهٔ ادبی است؟

۴۷. در بیت «چه زهرها که به جام حضور احباب است

- ۱) لب
  - ۲) پیاله
  - ۳) جامه
  - ۴) غنچه
- خوشا پیاله که بر یاد دوستان خوردیم» کدام واژه معنای مجازی دارد؟

۴۸. با توجه به بیت زیر از اسعد گرگانی، کدام واژه به صورت مجاز به کار رفته است؟

- «نه ای دل تو کمی از باغبانی      نه مهر تو کم است از گلستانی»
- ۱) باغبان
  - ۲) دل
  - ۳) گلستان
  - ۴) مهر

۴۹. در کدام گزینه از آرایهٔ «مجاز» استفاده نشده است؟

- ۱) او تمام کاسه را خورد.
- ۲) دنیا از زورگویی بیزار است.
- ۳) مغز مهم‌ترین بخش سیستم عصبی است.
- ۴) من دل این کار را ندارم.

۵۰. در بیت «به یاد خم ابروی گل رخان      بکش جام در بزم می‌خوارها» کدام واژه آرایهٔ «مجاز» دارد؟

- ۱) ابرو
- ۲) جام
- ۳) گل رخ
- ۴) می‌خوار

(سراسری ۸۷)

۵۱. در مصراع «تو را آتش عشق اگر پر بسوخت ...» کدام رکن تشبیه، حذف شده است؟

- ۱) وجه شبه
- ۲) مشبه
- ۳) ادات تشبیه
- ۴) مشبّه‌به

(سراسری ۸۷)

۵۲. در همهٔ گزینه‌ها، به جز گزینهٔ .....، «تشبیه» به کار رفته است.

- ۱) امشب، در این پهنه، مردانی بزرگ و دلیر شهید شده‌اند.
- ۲) زورق حیات در مردابی تاریک و بی‌خروش غرق شده بود.
- ۳) ستارگان مانند چراغ نیمه‌مردهٔ شبانان، فجایع بشریت را می‌نگریستند.
- ۴) ماه چون مشعل آسمانی، هر شب از فراز اقیانوس‌ها می‌گذرد.

(سراسری ۹۳)

۵۳. آرایهٔ تشبیه در کدام بیت بیشتر است؟

- ۱) صد خار بلا از دل دیوانهٔ ما خاست
  - ۲) ای سیل اشک خاک وجودم به باد ده
  - ۳) سروی است قامت تو از ناز سرکشیده
  - ۴) مرغ دل تا دام زلف و دانهٔ خال تو دید
- هر روز که بی‌ساقی گل‌چهره نشستیم  
تا بر دل کسی نشیند غبار من  
ماهی است عارض تو از نور آفریده  
طایر اندیشه‌ام افتاد در دام هوس

۵۴. ترتیب قرارگیری ابیات به لحاظ داشتن آرایه‌های «تضاد - تشبیه - حس آمیزی - کنایه» کدام است؟

- (الف) دل به عباری بپردی ناگهان از دست من  
 (ب) سعدیا گفتار شیرین پیش آن کام و دهان  
 (ج) بعد از تو که در چشم من آید که به چشمم  
 (د) قطره دانش که بخشیدی ز پیش
- (۱) الف، د، ج، ب (۲) الف، ب، د، ج (۳) د، ج، ب، الف (۴) د، الف، ب، ج

۵۵. در کدام بیت همه آرایه‌های «تشبیه، مراعات نظیر، حس آمیزی» به کار رفته است؟

- (۱) هر درد و هر غم از تو دوایی و شربتی  
 (۲) پروانه حریم وصال تو عاشقی است  
 (۳) آب حیات از لب لعل تو جرعه‌ای  
 (۴) با آن که جور و ظلم تو با من ز حد گذشت
- هر جور و هر جفا ز تو فضل و عنایتی  
 کز نور شمع روی تو دارد هدایتی  
 پیش لب تو قصه شیرین حکایتی  
 صد شکر می‌کنم که ندارم شکایتی

## قلمرو فکری

۵۶. کدام مفهوم از بیت زیر دریافت نمی‌شود؟

- «الهی، فضل خود را یار ما کن  
 ز رحمت، یک نظر در کار ما کن»
- (۱) طلب توجه (۲) بخشش الهی (۳) مهربانی خداوند (۴) طلب رونق امور

۵۷. مفهوم مصراع دوم بیت زیر در کدام بیت نیز وجود دارد؟

- «به نام کردگار هفت افلاک  
 (۱) مسلمانان برفت از دست من دل  
 (۲) زهی صانع خدا کز لطف بنگاشت  
 (۳) دلم منزل به زلفت کرد، گویی  
 (۴) تنم کز خاک گردد نقش مهرت»
- که پیدا کرد آدم از کفی خاک  
 چو دیدم آن‌چنان شکل و شمایل  
 از این سان صورتی از آب و از گل  
 نخواهد رفت ازین فرخنده منزل  
 ز نعش جان نخواهد گشت زایل (نابود)

۵۸. مفهوم بیت «فروغ رویت اندازی سوی خاک عجایب نقش‌ها سازی سوی خاک» از کدام بیت نیز دریافت می‌شود؟

- (۱) گر فراموشت کند لطف خدای  
 (۲) ناخدایان را کیاست اندکی است  
 (۳) سجده‌ها کردند بر هر سنگ و خاک  
 (۴) این سخن، پروین، نه از روی هواست
- چون رهی زمین کشتی بی‌ناخدای  
 ناخدای کشتی امکان یکی است  
 در چه معبد، معبد یزدان پاک  
 هر کجا نوری است، ز انوار خداست

۵۹. کدام بیت با بیت «چو در وقت بهار آبی پدیدار» حقیقت، پرده‌برداری ز رخسار» قرابت مفهومی ندارد؟

- (۱) آفتابی است جمالت که جهان پرتوی اوست  
 (۲) تنم از درد به جان آمد و دل حیران شد  
 (۳) گر تو را دیده تحقیق خداین باشد  
 (۴) «قاسمی» رو به خدا آر و رقیبان بگذار
- همه را از همه رو روی بدان روی نکوست  
 ساقیا باده بیما که همه‌جا همه اوست  
 گل و گلزار همو، دیده و دیدار هموست  
 دشمنانند به هم تا نرسد دوست به دوست

۶۰. مفهوم این بیت «گل از شوق تو خندان در بهار است» از آتش رنگ‌های بی‌شمار است» در کدام بیت تکرار شده است؟

- (۱) تا نفس باقیست باید خصم راحت بود و بس  
 (۲) گر ز اسرار بهار عشق بویی برده‌ای  
 (۳) حاصل این باغ بر دامن گرانی می‌کند  
 (۴) جلوه در پیش است تشویش دگر انشا مکن
- هم ز بوی خویش دارد در گریبان خار گل  
 غیر داغ و زخم و اشک و آبله مشمار گل  
 چون سپر بر پشت باید بستنت ناچار گل  
 هر کجا باشد همان بر رنگ دارد کار گل

(سراسری ۹۱)

۶۱. کدام بیت هیچ ارتباطی با بیت «نمی‌دانم، نمی‌دانم، الهی تو دانی و تو دانی، آنچه خواهی» ندارد؟

- ۱) من کجا تا به کجا در طلبت؟ تو کجایی و کجا می‌گردی؟
- ۲) دوستان گو نصیحتم مکنید که مرا دیده بر ارادت اوست
- ۳) تو بنده‌ای سخن بندگانت باید گفت که کس نداند تقدیر ایزد متعال
- ۴) نظم عالم را حکیمی هست آخر، روشن است حکمتش از استواری ز استواری احتیاط

۶۲. اعتقاد به وحدت وجود را در کدام بیت می‌توان دید؟

- ۱) گل از شوق تو خندان در بهار است از آنش رنگ‌های بی‌شمار است
- ۲) تویی رزاق هر پیدا و پنهان تویی خلاق هر دانا و نادان
- ۳) چو در وقت بهار آبی پدیدار حقیقت، پرده برداری ز رخسار
- ۴) به نام کردگار هفت افلاک که پیدا کرد آدم از کفی خاک

۶۳. ابیات هر گزینه با یکدیگر ارتباط مفهومی دارند به جز .....

- ۱) زهی گویا ز تو، کام و زبانم تویی هم آشکارا، هم نهانم
- ۲) نام من بدنام گویی، تا میان مرد و زن راه گم کردم، چه باشد گر به راه آری مرا؟
- ۳) الهی، فضل خود را یار ما کن ز رحمت، یک نظر در کار ما کن
- ۴) عالم از خورشید رخسارش تجلی‌زار شد آفتابی در دل هر ذره پویاستی
- ۵) چو در وقت بهار آبی پدیدار حقیقت، پرده برداری ز رخسار
- ۶) لال است در دهان بلاغت زبان وصف از غایت کرم که نهان و آشکار کرد
- ۷) هر آن وصفی که گویم بیش از آنی یقین دارم که بی‌شک، جان جانی

۶۴. مفهوم «مشمول رحمت الهی» از کدام بیت استنباط می‌شود؟

- ۱) قسمت خود می‌خورند منعم و درویش روزی خود می‌برند پشه و عنقا
- ۲) از همگان بی‌نیاز و بر همه مشفق از همه عالم نهان و بر همه پیدا
- ۳) خود نه زبان در دهان عارف مدهوش حمد و ثنا می‌کند که موی بر اعضا
- ۴) ما نتوانیم حق حمد تو گفتن با همه کروبیان عالم بالا

۶۵. مفهوم «وحدت وجود» از کدام بیت دریافت می‌شود؟

- ۱) تا به گفتار درآمد دهن شیرینت بیم آن است که شوری به جهان درفکنم
- ۲) شرط عقل است که مردم بگیرند از تیر من گر از دست تو باشد مژه برهم نزنم
- ۳) گر به خون تشنه‌ای اینک من و سر، باکی نیست که به فتراک تو به زان که بود بر بدنم
- ۴) پیرهن می‌بدرم دم‌به‌دم از غایت شوق که وجودم همه او گشت و من این پیرهنم

۶۶. کدام بیت در توصیف دریاست؟

- ۱) گه به دهان برزده کف چون صدف گاه چو تیری که رود بر هدف
- ۲) ابر، ز من حامل سرمایه شد باغ، ز من صاحب پیرایه شد
- ۳) گل، به همه رنگ و برازندگی می‌کند از پرتو من زندگی
- ۴) نعره برآورده، فلک کرده کر دیده سیه کرده، شده زهره‌در

۶۷. در همه ابیات، «چشمه» نماد «غرور» است به جز ..... .

- ۱) گه به دهان برزده کف چون صدف
  - ۲) چون بدوم، سبزه در آغوش من
  - ۳) گل، به همه رنگ و برازندگی
  - ۴) در بن این پرده نیلوفری
- گاه چو تیری که رود بر هدف  
بوسه زند بر سر و بر دوش من  
می‌کند از پرتو من زندگی  
کیست کند با چو منی همسری؟

۶۸. در همه ابیات، «آینه بودن» به آب نسبت داده شده است به جز ..... .

- ۱) رو، تو در آب نگر مدعی صورت خود
  - ۲) دل سیه‌مست و خراب از اثر باده دوش
  - ۳) جز کاندرا آب و آینه دیدم جمال وی
  - ۴) یک چشم دیده است در آینه، خویش را
- که دل مرد خدا آینه روی من است  
بی‌صفا می‌شود آینه آب‌آلوده  
بر هیچ‌کس نظر نگشودم به جای او  
بر چهره‌اش هنوز عرق آب می‌زند

۶۹. شاعران در همه ابیات ما را به تواضع توصیه می‌کنند به جز ..... .

- ۱) نیست جز خودشکنی دامن اقبال بلند
  - ۲) اوج عزت فروتنی دارد
  - ۳) چون آتش سوزان مشو از باد سبک‌سر
  - ۴) قطره‌ای آوازه دریا شنید
- آخر ای مشت غبار این همه پرواز چرا  
قطره پستی گزید گوهر گشت  
چون آب ز روشن‌گه‌ری خاک‌نشین باش  
از طمع شوریده و مغرور شد

۷۰. کدام بیت با بیت زیر ارتباط تصویری دارد؟

- «چون بدوم سبزه در آغوش من
- ۱) گل ز رخ پرده و نرگس به چمن چشم‌گشاد
  - ۲) باد سوی چمن آمد بدهد مژده که باز
  - ۳) هر که دید آن قد و عارض ز چمن‌آریان
  - ۴) باد گلریز شد و بر سر گل لاله چکید
- بوسه زند بر سر و بر دوش من  
سرو و شمشاد قد و مرغ چمن ناله کشید  
گل به بستان و به گل میوه مقصود رسید  
اول از جان و سر، آن‌گه ز گل و سرو برید  
آب در جوی و ز پیرامن جو سبزه دمید

۷۱. کدام بیت با این بیت «بلندی از آن یافت کو پست شد در نیستی کوفت تا هست شد» قرابت مفهومی دارد؟

- ۱) در صدف بسیار بارد قطره باران همی
  - ۲) با نسب محتاج نبود صاحب کسب و کمال
  - ۳) قطره کو گوهر کدام افسون خودبینی بلاست
  - ۴) سرمایه نشاطم زین بحر قطره اشکی است
- لیکن از صد قطره یک قطره همی گوهر شود  
بی‌نیاز از بحر گردد قطره چون گوهر شود  
جمله دریاییم اگر این عقده گردد برطرف  
بالیده‌ام چو گوهر از آب و دانه چشم

۷۲. مفهوم همه گزینه‌ها به جز گزینه ..... «تواضع» است.

- ۱) افتادگی آموز اگر طالب فیضی
  - ۲) نیک باشی و بدت گوید خلق
  - ۳) در بهاران کی شود سرسبز، سنگ
  - ۴) بلندی از آن یافت کو پست شد
- هرگز نخورد آب زمینی که بلند است  
به که بد باشی و نیکت بینند  
خاک شو تا گل بروید، رنگ‌رنگ  
در نیستی کوفت تا هست شد

۷۳. مفهوم کدام بیت با مفهوم ابیات زیر متناسب است؟

- «چو خود را به چشم حقارت بدید  
بلندی از آن یافت کو پست شد
- ۱) با همه نیرنگ، تا کی گفت‌وگوی سادگی؟!
  - ۲) بی‌نشانان بیشتر در دسر از کثرت کشند
  - ۳) لاف رعنايي زند، گر سرو پیش قامتش
  - ۴) با زبان سبزه گوید دانه در خاک این سخن:
- صدف در کنارش به جان پرورید  
در نیستی کوفت تا هست شد  
خودفروشی چند، با این دعوی آزادگی؟!  
کعبه را برگرد سر گردند، از بی‌جادگی  
دارد آن سرو روان در خدمتش استادگی  
نیست غیر از سرفرازی، حاصل افتادگی!

۷۴. عبارت «تا راست، تمام نشده، دروغ نگویم» با کدام بیت قرابت مفهومی ندارد؟

- ۱) سخن حق چه خیال است افتد بر خاک؟
- ۲) گفت و گوی راست روشن می کند آفاق را
- ۳) ز مفلس معتبر نبود سخن، هر چند حق باشد
- ۴) چو دم زد صبح کاذب از گواهی کشید از دعوی خود روسیاهی

۷۵. ابیات کدام گزینه با عبارت «تا روزی خدا تمام نشده، به در خانه دیگری نروم.» مفهوم یکسان دارند؟

- |   |   |
|---|---|
| <p>الف) طمع ز خلق ببر وز خدا طلب روزی<br/>ب) ریخت چون دندان، شود افزون غم نان خلق را<br/>ج) روزی طلب ز درگه حق کن که پیش خلق<br/>د) به گوشش نیست روزی، تن به قسمت ده که سرو این جا<br/>ه) مشکل گشای هر چه به گیتی ز خوب و زشت</p> | <p>که سائل درش آسان بزیست و آسان مرد<br/>سد راه شکوه روزی است دندان خلق را<br/>لب بازکردنت در توفیق بستن است<br/>به چندین دست نتوانست دامان ثمر گیرد<br/>روزی رسان هر چه به گیهان ز شیخ و شاب</p> |
| (۱) ب، د  | (۲) ب، ه  |
|   | (۳) الف، ج  |
|   | (۴) د، ه  |

۷۶. مفهوم کدام بیت با ابیات دیگر متفاوت است؟

- ۱) می رسد در خانه در بسته روزی چون اجل
  - ۲) فردا ز پشت دست ندامت خورند رزق
  - ۳) شرم دار از حق، مبر صائب نیاز خود به خلق
  - ۴) تا ممکن است زیستن از خلق بی نیاز
- حرص دارد این چنین خاطر پیریشان خلق را  
جمعی که پیش خلق دهن باز کرده اند  
بر سر خوان سلیمان دانه از موران مخواه  
راضی چرا به ننگ تمنا شود کسی؟

## درس یکم: چشمه

۱. ۱ ۲ ۳ ۴

۲. ۱ ۲ ۳ ۴

نمط: روش، نوع

۳. ۱ ۲ ۳ ۴

معرکه: میدان جنگ، جای نبرد

۴. ۱ ۲ ۳ ۴

۵. ۱ ۲ ۳ ۴

رژاق: روزی‌دهنده / گریبان: یقه

۶. ۱ ۲ ۳ ۴

در گزینه‌های دیگر «راست» به معنی «عیناً» و «حقیقتاً» است که معمولاً قبل از تشبیه به کار می‌رود. در گزینه سوم به معنی «سخن راست» است.

۷. ۱ ۲ ۳ ۴

در بیت مورد پرسش، «همسری» به معنی «برابری» است مانند همه گزینه‌ها به جز گزینه چهارم که در این گزینه به معنی «ازدواج و زناشویی» است.

۸. ۱ ۲ ۳ ۴

در گزینه چهار «شکن» بن مضارع مصدر «شکستن» است و در سایر گزینه‌ها به معنی «پیچ‌وخم زلف» است.

۹. ۱ ۲ ۳ ۴

«فصل» در گزینه سوم به معنی «برتری» و در سایر گزینه‌ها به معنی «بخشش» است.

۱۰. ۱ ۲ ۳ ۴

در گزینه سوم، «قوت» به معنی: «زور و نیرو» و در سایر گزینه‌ها، «قوت» بر وزن «توت» به معنی «غذا» است.

۱۱. ۱ ۲ ۳ ۴

در گزینه چهارم «خیره» یعنی «حیران و سرگشته» و در گزینه اول و دوم به معنی «بیهوده» است و در گزینه سوم یعنی «با دقت نگاه کردن».

۱۲. ۱ ۲ ۳ ۴

در گزینه اول «چرخ»، در گزینه دوم «فلک» و در گزینه سوم «چرخ نیلوفری» معادل معنایی «آسمان» است.

۱۳. ۱ ۲ ۳ ۴

در این گزینه، «فلک» همان «پرده نیلوفری» به معنی «آسمان» است.

۱۴. ۱ ۲ ۳ ۴

فقط املای «ظهره ← زهره» به معنی «جرأت» نادرست نوشته شده است.

۱۵. ۱ ۲ ۳ ۴

بحر: دریا/ بهر: برای

۱۶. ۱ ۲ ۳ ۴

املای «برازندگی» از جهت رسم الخطی نادرست است.

### نکته زبان

همه واژه‌هایی که به «ه» بیان حرکت ختم می‌شوند، در صورت آمدن واج میانی (گ-ی-ا-ج-و...) «ه» بیان حرکت حذف می‌شود.

زنده ← زندگی

۱۷. ۱ ۲ ۳ ۴

نذر ← نظر

۱۸. ۱ ۲ ۳ ۴

در گزینه سوم «خواست» به معنی «خواستن، خواهش کردن» و در سایر گزینه‌ها «خاست» به معنی «برخاستن، و شکل درست املا، بلند شدن» است.

۱۹. ۱ ۲ ۳ ۴

در گزینه اول املای «خصلت»، در گزینه دوم املای «مبدأ» و در گزینه سوم املای «علم» نادرست است. در گزینه چهارم واژه «درج» به معنی «صندوقچه جواهر» است.

۲۰. ۱ ۲ ۳ ۴

شکل مرتب‌شده بیت: چشمه‌ای غلغله‌زن، چهره‌نما و تیزپا از سنگی جدا گشت.

### نکته زبان

ترتیب اجزای جمله: نهاد + ..... + فعل

۱- مفعول، متمم و مسندبین نهاد و فعل به هر ترتیبی می‌توانند بیایند.

۲- قید در هر جای جمله قبل از فعل می‌تواند بیاید.

۲۱. ۱ ۲ ۳ ۴

«دست حق تاج عشق را بر سرش نهاد.»

مضاف‌الیه

۲۲. ۱ ۲ ۳ ۴

گزینه اول «دیدمش: دیدم او را.»

گزینه دوم «آوردمش: آوردم او را...» گزینه چهارم «رساندمش: رساندم

او را.»

در گزینه سوم «ش» نقش متمم دارد: «گفتمش: به او گفتم.»

۲۹. ۱ ۲ ۳ ۴

بررسی سایر گزینه‌ها:

**گزینه ۱:** «پیر و جوان» نهاد است و جای آن ابتدای جمله.

**گزینه ۲:** «نگار» نهاد است و جای آن ابتدای جمله.

**گزینه ۳:** «سر» مفعول است و جای آن قبل از «فعل» «برآورد»

۳۰. ۱ ۲ ۳ ۴

«اسفندیار» وابسته «کار» است.

۳۱. ۱ ۲ ۳ ۴

«تعیین» هسته است و «ارزش» وابسته آن است.

نکته زبان

در یک گروه اسمی، معمولاً اولین واژه‌ای که کسره (نقش‌نمای اضافه) می‌گیرد، هسته است.

۳۲. ۱ ۲ ۳ ۴

شاعر در این بیت، واژه چشمه را به عنوان «مشبّه‌به» به کار برده است. مشبّه‌به‌ها معمولاً نماد هستند همان‌طور که در این جا چشمه، نماد، «درخشندگی» است.

۳۳. ۱ ۲ ۳ ۴

در بیت چهارم «سرو» همان درخت سرو است و نماد بلندی، در سایر گزینه‌ها «سرو» انسانی تصور شده و شاعر با او سخن گفته است (استعاره)

۳۴. ۱ ۲ ۳ ۴

در گزینه اول، این که صبح گریبان بدرَد، در گزینه سوم، سر به گریبان کشیدن غنچه، در گزینه چهارم، سرو چالاک و گریبان گل و... تشخیص دارد.

۳۵. ۱ ۲ ۳ ۴

**گزینه ۱:** نغمه لبلب، طبیعی و عادی است و تشخیص ندارد.

**گزینه ۲:** جامه دریدن گل از دست خار،

**گزینه ۳:** لبلب ثنای (ستایش) گل را می‌گوید،

**گزینه ۴:** گریه ابر و گل‌های خندان، تشخیص دارد.

۳۶. ۱ ۲ ۳ ۴

بررسی سایر گزینه‌ها:

**گزینه ۱:** تاج سر بودن، کنایه از «برتری بر دیگران»

**گزینه ۲:** چهره‌نما، کنایه از «خودنما» و «تیزپا» کنایه از «سریع»

**گزینه ۴:** سر به گریبان بردن، کنایه از «خجالت کشیدن» است.

۳۷. ۱ ۲ ۳ ۴

«سخن شیرین» (سخن شنیدنی است نه چشیدنی) / «شکر گفتار»: گفتاری که مانند شکر شیرین است.

نکته ادب

چون وجه شبیه، هم در مشبّه و هم در مشبّه‌به وجود دارد. ما گفتار مانند شکر را حس‌آمیزی دانستیم.

۲۳. ۱ ۲ ۳ ۴

**گزینه ۱:** «غصه روزگار» و «قصه بی‌شمار» هر دو مفعول هستند.

**گزینه ۲:** «درد فراق»،

**گزینه ۳:** «درد دل»

**گزینه ۴:** «درد دل ...» مفعول هستند.

۲۴. ۱ ۲ ۳ ۴

در سه گزینه دیگر مفعول وجود دارد:

**گزینه ۱:** جمله «درین معرکه، یکتا منم» و «تاج سر گلبن و صحرا منم» مفعول هستند، (گفت ... چه چیزی را گفت = مفعول)

**گزینه ۲:** «قدم و خویشتن» مفعول هستند.

**گزینه ۳:** «بحر خروشنده» مفعول است (چه چیزی را دید = بحر را)

۲۵. ۱ ۲ ۳ ۴

در این گزینه «را» حرف اضافه است (فراغت از تو برای ما میسر نمی‌شود).

در سه گزینه دیگر «را» نشانه مفعول است.

۲۶. ۱ ۲ ۳ ۴

«گویا» قید تشبیه است.

نکته زبان

«قید» توضیحی به فعل می‌افزاید و می‌توان آن را از جمله حذف کرد بدون آن که جمله آسیبی ببیند.

ما دیروز رفتیم ← ما رفتیم

۲۷. ۱ ۲ ۳ ۴

او این را زیباترین شعر انوری دانسته است.

نهاد مفعول مسند فعل

سایر گزینه‌ها، اسنادی هستند و فقط «مسند» دارند.

در گزینه اول «مدح»، گزینه دوم «نرم‌تر» و در گزینه چهارم «استوار»

مسند است.

۲۸. ۱ ۲ ۳ ۴

نکته زبان

برای شناسایی این فعل‌ها از روش تشخیص مفعول استفاده کنید:

نهاد + چه چیزی را / کسی را + فعل = مفعول

من دوستم را دیدم ← من چه کسی را دیدم؟

۳۸. ۱ ۲ ۳ ۴

گزینه ۱: «سخن شیرین» و «خوی نرم»

گزینه ۲: «رفتار نرم»

گزینه ۳: «خواب تلخ» حس آمیزی دارند.

۳۹. ۱ ۲ ۳ ۴

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «گرمی رفتار»

گزینه ۲: «گفتار سرد»

گزینه ۴: «نگاه سرد»

۴۰. ۱ ۲ ۳ ۴

شعر نازک (لامسه) و شیرین و آبدار (چشایی)

۴۱. ۱ ۲ ۳ ۴

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «آهنگ لطیف»

گزینه ۲: «صدا ... زمزمه‌ای گرم و سوزان»

گزینه ۴: «صدای شیرین»

۴۲. ۱ ۲ ۳ ۴

«رنگ گفتار» (دیدن + شنیدن)

۴۳. ۱ ۲ ۳ ۴

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «نالۀ سوزنده» (گرم و سوزنده)

گزینه ۲: «دشنام تلخ»

گزینه ۴: «رنگین سخنان»

۴۴. ۱ ۲ ۳ ۴

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: «رنگینی گفتار»

گزینه ۳: «شیرین سخنی»

گزینه ۴: «ندیدن بو»

۴۵. ۱ ۲ ۳ ۴

«شهر» مجازاً «مردم شهر»

۴۶. ۱ ۲ ۳ ۴

«جهان» مجازاً «مردم جهان»

جهان دل نهاده بر این داستان (جهان که نمی‌تواند دل به داستانی بنهد).

۴۷. ۱ ۲ ۳ ۴

«پیاله» مجازاً «شراب است»، سایر واژه‌ها معنای واقعی خود را دارند.

۴۸. ۱ ۲ ۳ ۴

«دل» مجازاً «خود شاعر»

سایر واژه‌ها معنای واقعی خود را دارند.

۴۹. ۱ ۲ ۳ ۴

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «کاسه» مجازاً «محتوای کاسه»

گزینه ۲: «دنیا» مجازاً «مردم دنیا»

گزینه ۴: «دل» مجازاً «جرات»

۵۰. ۱ ۲ ۳ ۴

«جام» مجازاً «شراب»

می‌دانیم که «شراب» را می‌نوشند نه ظرف آن را.

۵۱. ۱ ۲ ۳ ۴

عشق (مشبه)، آتش (مشبه‌به)، پر سوختن (وجه شبه)

۵۲. ۱ ۲ ۳ ۴

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: «زورق حیات» (حیات مانند زورق است).

گزینه ۳: ستارگان مانند چراغ نیمه‌مرده شبانان...

گزینه ۴: ماه چون مشعل آسمانی...

۵۳. ۱ ۲ ۳ ۴

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: خار بلا (اضافۀ تشبیهی)، گل چهره: چهره مانند گل،

گزینه ۲: سیل اشک (اضافۀ تشبیهی)، خاک وجود (اضافۀ تشبیهی)

گزینه ۳: قامت تو مانند سروی است، عارض (چهره) تو مانند ماهی است.

گزینه ۴: «مرغ دل» (اضافۀ تشبیهی)، «دام زلف» (اضافۀ تشبیهی)،

«دانه خال» (اضافۀ تشبیهی)، «طایر اندیشه» (اضافۀ تشبیهی)، طایر یعنی

«پرنده»، «دام هوس» (اضافۀ تشبیهی)

۵۴. ۱ ۲ ۳ ۴

تضاد (د): قطره و دریا، تشبیه (ج): همه عالم مانند ظلمات است و تو مانند

نوری، حس آمیزی (ب): گفتار شیرین، کنایه (الف): دل بردن (عاشق کردن).

۵۵. ۱ ۲ ۳ ۴

تشبیه (لب لعل: لب مانند لعل سرخ است) / مراعات نظیر (آب و جرعه،

لب و لعل) / حس آمیزی (قصه شیرین)

۵۶. ۱ ۲ ۳ ۴

۵۷. ۱ ۲ ۳ ۴

مفهوم مشترک: «خلقت انسان»

پیدا کرد آدم از کفی خاک = صورتی از آب و گل بنگاشت

۵۸. ۱ ۲ ۳ ۴

مفهوم مشترک: «کثرت در عین وحدت است، یعنی پدیده‌ها و مخلوقات

و اشیا در عین تنوع و زیادی به وجود واحدی که همان خداوند است منتهی

می‌شوند. جهان و هستی و هر آنچه در اوست جلوه‌های حق هستند.»

معنی بیت مورد پرسش: «روشنی رویت را بر روی زمین می‌اندازی و

این گونه نقش‌های شگفتی پدید می‌آید.»

در گزینه دوم واژه «کیاست» به معنی «زیرکی» است.

۵۹. ۱ ۲ ۳ ۴

مفهوم مشترک: «جهان هستی و زیبایی‌های آن، نمونه و نشانه‌ای از

زیبایی‌های خداست. در همه گزینه‌ها به جز گزینه چهارم به همین مفهوم

اشاره شده است.»

۶۰. ۱ ۲ ۳ ۴

مفهوم مشترک: «جهان و هر آنچه در اوست جلوه‌هایی از وجود بی‌همتای

خداوند هستند.»

گزینه دوم: اگر عشق را فهمیده‌ای باید بدانی که گل و زیبایی‌های جهان

نشانی از وجود یگانه و زیبای خداوند هستند.

۶۱. ۲۳۴

مفهوم مشترک: «عجز و ناتوانی انسان در فهم تقدیر و حکمت خداوندی»

۶۲. ۱۲۳۴

وحدت وجود: جهان و هر آنچه در آن است ما را به وجودی واحد (خداوند) می‌رساند. در جهان هستی جز خدا چیزی «وجود» ندارد.

۶۳. ۲۳۴

معنی بیت اول: چه خوب است که قدرت سخن گفتن را تو به من داده‌ای، تو آفریننده همه چیز من هستی چه ظاهر و چه باطن.

معنی بیت دوم: مرا بدانم می‌کنی تا به راز من آگاه شوی و ناغافل مرا ببری. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: شاعر به دنبال توجه و لطف الهی است.

گزینه ۳: وحدت وجود بیان شده است.

گزینه ۴: عجز شاعر در توصیف خداوند مشهود است.

۶۴. ۲۳۴

بیت اول به «فراگیر بودن» رحمت الهی اشاره دارد.

معنی بیت اول: ثروتمند و فقیر، بهره و قسمت خود را می‌خورند، سیم‌رغ و مگس روزی و بهره خود را دریافت می‌کنند.

۶۵. ۱۲۳۴

مصراع دوم بیت چهارم «وجود همه او گشت» = وحدت وجود

۶۶. ۱۲۳۴

سه گزینه دیگر توصیف «چشمه» اما گزینه چهارم توصیف دریا است.

۶۷. ۲۳۴

در بیت اول توصیف حالت و ظاهر آب چشمه است.

۶۸. ۱۲۳۴

در گزینه چهارم، آینه به آب ارتباطی ندارد.

۶۹. ۱۲۳۴

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: شاعر معتقد است خودشکنی (تواضع و دور شدن از خودخواهی) موجب اقبال بلند می‌شود.

گزینه ۲: برای رسیدن به اوج عزت باید فروتنی کرد، مصراع دوم هم به این باور گذشتگان اشاره دارد که قطره باران در داخل دریا می‌افتد و پایین می‌رود و درون صدف قرار می‌گیرد و بعد از مدتی تبدیل به مروارید می‌شود.

گزینه ۳: خاک‌نشین شدن همان تواضع است.

۷۰. ۱۲۳۴

تصویر مشترک: «جاری شدن آب درون سبزه‌ها و رشد و نمو سبزه‌ها با این آب.»

۷۱. ۱۲۳۴

در این گزینه شاعر معتقد است که اگر خودبینی را کنار بگذاریم همگی دریا هستیم.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: هر کسی قابلیت ارزشمند شدن و تعالی را ندارد.

گزینه ۲: با اصل و نسب نیازی به کسی ندارد، کسی که به خودش متکی باشد به کمال می‌رسد.

گزینه ۴: شاعر رشد و تعالی خود را نتیجه رنج و سختی می‌داند.

۷۲. ۱۳۴

مفهوم مشترک «فروتنی» است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: افتادگی آموز اگر به دنبال سعادت هستی.

گزینه ۳: خاک شو تا بر روی تو گل بروید (تواضع داشته باش تا ارزشمند شوی).

گزینه ۴: فروتنی باعث می‌شود به اوج برسی ...

امادر گزینه دوم می‌گوید: «بهتر است خودت باشی حتی اگر مردم تو نپسندند»

۷۳. ۱۲۳۴

مفهوم مشترک: «افتادگی: تواضع»

بیت گزینه چهارم: سرافرازی نتیجه تواضع است.

۷۴. ۱۲۳۴

مفهوم مشترک: «راست گویی»

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: سخن حق در پایان کار موجب پیروزی و سربلندی می‌شود.

گزینه ۲: سخن راست، جهان را پر از نور می‌کند ...

گزینه ۴: صبح کاذب (قبل از صبح و طلوع اصلی خورشید) چون دروغ می‌گوید بلافاصله با آمدن صبح صادق خجالت‌زده می‌شود.

اما شاعر در گزینه سوم می‌گوید: «گوینده سخن به سخن اعتبار می‌دهد.»

۷۵. ۱۲۳۴

مفهوم مشترک: «طلب رزق و روزی از خدا نه از بندگان او»

بیت الف) طمع از خلق بریدن و طلب روزی از خدا، که گدای درگاه او آسوده، زندگی می‌کند و بدون ناراحتی و رنج می‌میرد.

بیت ج) فقط از درگاه حق طلب روزی کن چرا که درخواست رزق و روزی از خلق در واقع دور شدن از توفیق الهی است.

۷۶. ۲۳۴

در گزینه اول «حرص و طمع» نکوهش شده است و در سایر گزینه‌ها به این مطلب اشاره می‌شود که برای رزق و روزی فقط به درگاه خداوند روی بیاور و تلاش کن از خلق بی‌نیاز باشی.

### درس دوم: از آموختن، ننگ مدار

۷۷. ۱۲۳۴

مطربی: «عمل و شغل مطرب»؛ کسی که نواختن ساز و خواندن آواز را پیشه خود سازد.

۷۹. ۲۳۴

«محال» به معنی «دروغ، بی‌اصل و ناممکن» است که در این جا معنی آن درست است. استرحام: رحم خواستن، طلب رحم کردن / آوان: وقت، هنگام / تعلیقات: پیوست‌ها

۸۰. ۱۲۳۴

۸۱. ۱۲۳۴

جافی: جفاکار



۱. معنی درست واژه‌های «پله دادن، تعلل، مُکاری، رُقعَه» به ترتیب، در کدام گزینه آمده است؟

- ۱) رهایی بخشیدن، بهانه آوردن، کرایه‌کنندهٔ اسب و شتر، بسته
- ۲) رهایی یافتن، علت آوردن، حيله‌گران، پاکت‌نامه
- ۳) تکیه دادن، درنگ کردن، کرایه‌دهندهٔ اسب و شتر، نامه
- ۴) آزاد کردن، ارائهٔ دلیل، حيله‌گر، امضا

۲. در معنی برخی واژه‌های کدام گزینه اشتباه وجود دارد؟

- ۱) مولج، عنود، کَمیت، اوان: آزمند، دشمنان، اسب به رنگ سیاه و سفید، هنگام
- ۲) استرحام، الزام، ادبار، استماع: رحم خواستن، ضرورت، بدبختی، شنیدن
- ۳) تقریر، تیمار، زنگاری، طمأنینه: بیان کردن، خدمت، سبزرنگ، سکون و قرار
- ۴) لاجرم، لعب، نموده، مُحال: ناگزیر، بازی، ارائه کرده، دروغ

۳. معنی چند واژه در مقابل آن درست است؟

(وَقَب: فاصلهٔ پاهای)، (گَرده: بالای کمر)، (اَخره: محلّ خوراک چهارپایان)، (غارب: میان دو کتف)، (کَله: برآمدگی پشت پای اسب)، (خیل: دسته)

- |        |        |        |          |
|--------|--------|--------|----------|
| یک (۱) | دو (۲) | سه (۳) | چهار (۴) |
|--------|--------|--------|----------|

۴. در کدام عبارت غلط املایی وجود دارد؟

- ۱) خدای، تبارک و تعالی، همهٔ بندگان خود را از عذاب قرض و دین فرج دهد.
- ۲) همه بر پای خواستند و بایستادند، دَلاک و قَیم درآمدند و خدمت کردند.
- ۳) ما را به انعام و اکرام به راه دریا گسیل کرد؛ چندان که در کرامت و فراغ به پارس رسیدیم.
- ۴) غرض من دو چیز بود: یکی بی‌نوايي؛ دویم گفتم همانا او را تصوّر شود که مرا در فضل مرتبه‌ای است زیادت.

۵. در گروه واژه‌های زیر چند واژه با املای غلط نوشته شده است؟

«زهی و آفرین - نمط و شیوه - بهر خروشنده - ورطهٔ هلاکت - چشم حقارت - مال هلال - مستغنی و بی‌نیاز - ضایع و تباه - محاورهٔ عادی - غالب و چیره»

- |        |        |        |          |
|--------|--------|--------|----------|
| یک (۱) | دو (۲) | سه (۳) | چهار (۴) |
|--------|--------|--------|----------|

۶. در همهٔ ابیات به جز ..... مفعول وجود دارد.

- |                                   |                              |
|-----------------------------------|------------------------------|
| ۱) به نام کردگار هفت افلاک        | که پیدا کرد آدم از کفی خاک   |
| ۲) فروغ رویت اندازی سوی خاک       | عجایب نقش‌ها سازی سوی خاک    |
| ۳) هر آن وصفی که گویم، بیش از آنی | یقین دانم که بی‌شک، جان جانی |
| ۴) زهی گویا ز تو، کام و زبانه     | تویی هم آشکارا، هم نهانم     |

۷. در عبارت زیر، به ترتیب چند واژهٔ «وندی، مرکب، وندی» وجود دارد؟

«پایداری سرسختانه‌ای می‌ورزد و با این کار دل همهٔ ایرانیان را به آن دژ امیدوار می‌سازد. سهراب ناچار است پیش از درآمدن به خاک ایران از این دژ بگذرد. در این نبرد، فرماندهٔ دژ بر او پیروز می‌شود. آگاهی از این رویداد، دژ نشینان را سراسیمه می‌سازد.»

- |                 |                  |                 |                 |
|-----------------|------------------|-----------------|-----------------|
| ۱) چهار، دو، سه | ۲) پنج، سه، چهار | ۳) سه، سه، چهار | ۴) پنج، دو، پنج |
|-----------------|------------------|-----------------|-----------------|

۸. معنی ردیف کدام بیت متفاوت است؟

- |                                       |                                 |
|---------------------------------------|---------------------------------|
| ۱) من کیستم که طالب دیدار او شوم      | یا چیست نقد من که خریدار او شوم |
| ۲) او یوسف عزیز و مرا دست بس تهی      | شرم آیدم که بر سر بازار او شوم  |
| ۳) یاری که در زمانه به خوبیش یار نیست | هست آرزوی خام که من یار او شوم  |
| ۴) با این همه فدایش کنم جان خویشتم    | باری ز مخلصان هوادار او شوم     |

۹. داده کدام گزینه فقط یک جمله است؟

- (۱) اول وقت بود و زنگ نقاشی ما.  
(۳) برگشت و گفت: «خرگوش نه!»  
(۲) ما چشم به راه آخر کار و باخبر از مشکل «صاد»  
(۴) از نقاشی سگ را کشیدن و خرگوش کشیدن خسته شدیم.

۱۰. عبدالحسین وجدانی نویسنده کدام اثر است و «ارزیابی شتابزده» را چه کسی نوشته است؟

- (۱) اتاق آبی، جلال آل احمد  
(۳) داستان خسرو، محمد اشتهاردی  
(۲) داستان‌های صاحب‌دلان، محمدی اشتهاردی  
(۴) داستان خسرو، جلال آل احمد

۱۱. در همه ابیات به جز بیت ..... کنایه به کار رفته است.

- (۱) آب خوردند و دست و رو شستند  
(۲) در عرضگه عشقش فتنه سپه انگیزد  
(۳) جنگجو هست و لیکن به جهان نیست کسی  
(۴) ز بهر آمدگان دست او همیشه به کار  
سر و گردن در آب جو شستند  
در رزمگه زلفش گردون سپر اندازد  
که به جنگش بتواند بست امروز کمر  
ز بهر نامدگان چشم او همیشه به راه

۱۲. در تشبیه کدام بیت همه ارکان مذکور است؟

- (۱) هر که چون خاک نیست بر در او  
(۲) عشق چون بر جان من زور آورد  
(۳) وز آنجا شد پریشان سوی منزل  
(۴) من که دلتنگم، هلالی، بی‌رخ گلرنگ دوست  
گر فرشته ست خاک بر سر او  
همچو دریا جان من شور آورد  
رخی چون کاه و کوه درد بر دل  
خوشدلی از دیدن گل‌های سوری چون کنم؟

۱۳. در همه ابیات به جز بیت ..... آرایه حس آمیزی به کار رفته است.

- (۱) روی از سخن سرد حسودان نتوان تافت  
(۲) نفس شمرده زند هر که چون سحر صائب  
(۳) فنا به قهر تو مضمهر (پنهان) چو تلخی اندر زهر  
(۴) درین قصه پندی است شیرین چو قند  
خالی نبود عاشقی از گرمی و سردی  
کلام روشن خود را جهان‌نورد کند  
گهر به کلک تو مضمون چو شکر اندر نال (نی)  
کنون قصه بگذار و برردار پند

۱۴. در کدام عبارت نشانه‌ای از ضعف یافته می‌شود؟

- (۱) سگ را روان گرتنه می‌ریخت.  
(۳) در نگار نقشه قالی دستی نازک داشت.  
(۲) در بیرنگ اسب حرفی به کارش بود.  
(۴) آدم در نقشه‌اش نبود و بهتر که نبود.

۱۵. کدام بیت با ابیات زیر تناسب معنایی ندارد؟

- «سحر در شاخسار بوستانی  
برآور هر چه اندر سینه داری  
(۱) گفتم این شرط آدمیت نیست  
(۲) ز نوای مرغ یا حق بشنو که در دل شب  
(۳) ای خدایی که عطایت دیدست  
(۴) بنگر به مرغ خوش پر چو خطیب فوق منبر  
چه خوش می‌گفت مرغ نغمه‌خوانی  
سرودی، ناله‌ای، آه‌ی، فغانی»  
مرغ تسبیح گوی و من خاموش  
غم دل به دوست گفتن چه خوش است شهریارا  
مرغ دیده به هوای تو پرد  
به ثنا و حمد داور بگرفته خوش نوایی

۱۶. کدام بیت با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؟

- «چنین است رسم سرای درشت  
(۱) تو مپندار که دوران همه یکسان گذرد  
(۲) از دم من چو دم صبح شود آتشبار  
(۳) عالمی بهر نثارش همه جان‌ها بر کف  
(۴) برسان سلسله یک بار به دستم، تا چند  
گهی پشت برزین، گهی زین به پشت»  
گاه در وصل و گهی در غم هجران گذرد  
هر نسیمی که بر اطراف گلستان گذرد  
آه از آن لحظه که آن سرو خرامان گذرد  
در خم زلف توام عمر پریشان گذرد

۱۷. مفهوم بیت زیر با کدام عبارت همخوانی دارد؟

«چه باید نازش و نالش بر اقبالی و ادباری که تا بر هم زنی دیده نه این بینی نه آن بینی»

- ۱) رنج هیچ کس ضایع مکن و همه کس را به سزا، حق شناس باش.
- ۲) اگر غم و شادیت بُود، به آنکس گوی که او تیمار غم و شادی تو دارد.
- ۳) اندر همه کاری داد از خویشتن بده که هر که داد از خویشتن بدهد، از داور مستغنی باشد.
- ۴) به هر نیک و بد، زود شادان و زود اندوهگین مشو که این فعل کودکان باشد.

۱۸. کدام بیت با این بیت «کبوتری که دگر آشیان نخواهد دید قضا همی بردش تا به سوی دانه و دام» قرابت مفهومی کمتری دارد؟

- ۱) رضا به حکم قضا اختیار کن سعدی که شرط نیست که با زورمند بستیزند
- ۲) دارد از حکم روان ما را قضا در پیچ و تاب اختیاری نیست خاشاک در آب افتاده را
- ۳) از قضا من با جفا و جبر ظلمش راضیم بس که تغییری نباشد خامهٔ تقدیر را!
- ۴) گر اختیار مرگ به دستم دهد قضا روزی هزار بار بمیرم برای تو

۱۹. کدام بیت با بیت «چو در وقت بهار آبی پدیدار

- ۱) به هر مجلس که بنشینی تویی در چشم من زیرا که چون تو مجلس آرایی نمی بینم، نمی بینم
- ۲) اگر تو سرو بالایی تو را من دوست می دارم که چون تو سرو بالایی نمی بینم، نمی بینم
- ۳) در این صحرا ز هر نقشی که چشم از وی برآساید به جز رویت تماشایی نمی بینم، نمی بینم
- ۴) در این میدان جانبازان اگر انصاف می خواهی چو خاقانیت شیدایی نمی بینم، نمی بینم

۲۰. همهٔ ابیات به استثنای بیت گزینهٔ ... با بیت زیر تناسب معنایی دارند.

- «تا تو را جای شد ای سرو روان در دل من هیچ کس می نپسندم که به جای تو بود»
- ۱) دل ز غیر اله بپرداز ای جوان این جهان کهنه در باز ای جوان
  - ۲) ای لاله از تو خجل، سرو از تو پای به گل بنشسته ای چو به دل، لختی به دیده نشین
  - ۳) هر که با کردگار کاری داشت در دل خویش غیر او نگذاشت
  - ۴) دل در بر من زنده برای غم توست بیگانهٔ خلق و آشنای غم توست

# پاسخ‌نامه تشریحی

## پاسخ‌نامه آزمون فصل ۱ و ۲

۱. ۱ ۲ ۳ ۴

معنی کامل واژه‌ها:

بله دادن: تکیه دادن، یله: رها، آزاد

تعلل: بهانه آوردن، درنگ کردن

مُکّاری: کسی که اسب و شتر و الاغ کرایه می‌دهد یا کرایه می‌کند.

رُقع: نامه

۲. ۱ ۲ ۳ ۴

عَنود: ستیزه‌کار، دشمن و بدخواه

کُمیت: اسب سرخ مایل به سیاه

۳. ۱ ۲ ۳ ۴

وقب: هر فرورفتگی اندام چون گودی چشم

آخَره: چنبره گردن، قوس زیر گردن

۴. ۱ ۲ ۳ ۴

بر پای خواستند ← بر پای خاستند

۵. ۱ ۲ ۳ ۴

بهر ← بحر / هلال ← حلال

۶. ۱ ۲ ۳ ۴

گَزینه ۱: آدم [را] از کفی خاک پیدا کرد.

گَزینه ۲: فروغ رویت [را] سوی خاک اندازی.

گَزینه ۳: هر آن وصفی [را] که گویم.

۷. ۱ ۲ ۳ ۴

وندی: ایرانیان (ایران + ی + ان) / امیدوار (امید + وار) / درآمدن (در +

آمد + ن) / آگاهی (آگاه + ی) ← ۴

مرکب: فرمانده (فرمان + ده) / رویداد (روی + داد) ← ۲

وندی - مرکب: پایداری (پای + دار + ی) / سرسختانه‌ای (سر + سخت

+ انه + ی) / دژنشینان (دژ + نشین + ان) ← ۳

۸. ۱ ۲ ۳ ۴

در گزینه دوم «شوم» به معنی «بروم» آمده است در حالی که در سایر

گزینه‌ها فعل اسنادی است.

۹. ۱ ۲ ۳ ۴

گَزینه ۱: این گزینه، دو جمله است و فعل «بود» از آخر آن حذف شده است.

گَزینه ۲: این گزینه هم دو جمله است: جمله اول «ما چشم به راه آخر

کار بودیم» و جمله دوم «با خبر از مشکل «صاد» بودیم».

گَزینه ۳: این گزینه هم دو فعل دارد و دو جمله است.

گَزینه ۴: یک جمله است چون فقط یک فعل (شدیم) دارد.

۱۰. ۱ ۲ ۳ ۴

۱۱. ۱ ۲ ۳ ۴

بررسی کنایه‌ها در سایر گزینه‌ها:

گَزینه ۲: سپر انداختن: کنایه از «تسلیم شدن»

گَزینه ۳: کمر بستن: کنایه از «مقابله در جنگ»

گَزینه ۴: دست به کار بودن: کنایه از «مشغول بودن»

چشم به راه بودن: کنایه از «منتظر بودن»

۱۲. ۱ ۲ ۳ ۴

عشق هم‌چو دریا جان من شور آورد

مشبه ادات      مشبه‌به      وجه‌شبه

۱۳. ۱ ۲ ۳ ۴

گَزینه ۱: سخن سرد (شنیدن + لمس کردن)

گَزینه ۲: کلام روشن (شنیدن + دیدن)

گَزینه ۴: پند شیرین (شنیدن + چشیدن)

۱۴. ۱ ۲ ۳ ۴

«حرفی به کارش بود» کنایه از این که «ضعف داشت، مسلط نبود»

۱۵. ۱ ۲ ۳ ۴

مفهوم مشترک: همه پدیده‌ها در حال عبادت خدا هستند.

گَزینه ۱: مرغ تسبیح گوی خدا باشد و من خاموش

گَزینه ۲: غم دل به دوست گفتن مرغ یاحق

گَزینه ۴: مرغی که مانند خطیبی بر بالای منبر خدا را ستایش می‌کند.

۱۶. ۱ ۲ ۳ ۴

مفهوم مشترک: روزگار همیشه وضعیت ثابت و مشخصی ندارد.

بیت گزینه اول به همین مفهوم مشترک اشاره می‌کند.

۱۷. ۱ ۲ ۳ ۴

معنی بیت مورد پرسش: چرا باید به خوشبختی افتخار کرد و از بدبختی

نالید وقتی که با چشم به هم زدنی نه این باقی می‌ماند و نه آن.

مفهوم مشترک: هیچ چیز در این دنیا پایدار نیست.

۱۸. ۱ ۲ ۳ ۴

مفهوم مشترک: تسلیم در برابر سرنوشت.

گَزینه ۱: سرنوشت را زورمندی می‌داند که نباید با آن جنگید.

گَزینه ۲: ما در مقابل قضا و قدر مانند خاشاکی درون آب هستیم که

اختیاری از خود نداریم.

گَزینه ۳: قلم (خامه) تقدیر، تغییری ندارد.

گَزینه ۴: در این گزینه موضوع اصلی فدا کردن جان در راه معشوق است.

۱۹. ۱ ۲ ۳ ۴

مفهوم مشترک: جلوه‌گری خداوند در زیبایی‌های طبیعت

معنی بیت گزینه سوم: در این صحرایی که از هر نقش آن چشم، آرامش

می‌گیرد و لذت می‌برد به جز روی زیبای تو چیزی نمی‌بینم.

مفهوم مشترک: دل فقط جای توست (ای محبوب)

عاشق واقعی، دل را از غیر خدا خالی می کند.

**گزینه ۱:** دل را از غیر خدا پاک کن...

**گزینه ۲:** ای معشوقی که لاله از زیبایی چهرهات و سرو از بلندی تو

خجالت کشیده و دچار مشکل می شوند، جای تو بر روی چشم من است.

**گزینه ۳:** هر کس که خدا را بشناسد، هیچ کس را به غیر او در دل جای نمی دهد.

**گزینه ۴:** دل در وجود من فقط برای پذیرش غم عشق توست و با همه

بیگانه اما با غم تو انس گرفته است.